

یکت در خواست

(دربارهٔ شب)



علی رضا نعمتی

یک درخواست

(در باره فرج)

نوشتہ:

علیرضامنعمتی

نعمتی، علیرضا، ۱۳۴۳ -
 یک درخواست / نوشته علی رضا نعمتی
 قم : انتشارات خورشید مکه ۱۳۸۰ (چاپ دوم)
 ۱۰۴ ص. ۴۰۰۰ ریال : ISBN-964-92923-5-7
 فهرستنویسی براساس اطلاعات فیپا.
 ۱. مهدویت - انتظار. الف. عنوان.
 ۸ی ۷ن/۴/۲۲۴ BP ۲۹۷/۴۶۲
 کتابخانه ملی ایران ۲۲۹۵۵-۷۸ م

نام کتاب : یک درخواست
 مؤلف : علیرضا نعمتی
 نوبت و تاریخ چاپ : چاپ اول / بهار ۱۳۷۹ - چاپ دوم : تابستان ۸۰
 شمارگان : ۵۰۰۰
 تعداد صفحات : ۱۰۴ صفحه
 چاپ : افق

مراکز پخش :

قم - انتشارات خورشید مکه تلفن و فاکس : ۲۹۱۱۵۲۵
 قم - چهارراه شهداء فروشگاه کتاب زائر (آستانه مقدسه) تلفن : ۷۷۴۲۵۱۹
 نشانی مؤلف : قم، ص پ - ۳۷۱۸۵-۴۳۳ - تلفن : ۰۹۱۱۲۲۲۳۳۵۵
 قیمت : ۴۰۰۰ ریال
 شابک : ISBN 964-92923-5-7 * ۹۶۴-۹۲۹۲۳-۵-۷

چاپ دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ

سُبْحَانَ الْأَكْبَامِ الْمُبِينِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الْمُنِظِرِ الْمُهْدِي عَالَمِهِ

تقدیم

پیشگاہ مقدس و با عظمت

حضرت برحق

(سلام اللہ علیہا)

آن جایگاہ ملکوتی خطِ اسرارِ الہی کہ سرورِ تمامی
پیامبران حضرت محمد مصطفیٰ ﷺ مشتاقِ خورشیا و ندیِ بابود

«سخنی با شما»

از آنروز که کتاب «راهی بسوی نور» و کتاب «در اوج تنهائی» را نوشتم تعداد زیادی از خوانندگان دلسوخته با من تماس گرفته و از مطالب این دو کتاب تشکر می کردند و اظهار می داشتند این مطالب ما را از خواب غفلت بیدار کرد، ما را متوجه امام زمان علیه السلام کرد، شوق به ظهور آن حضرت را در ما زنده نمود، تصویر خشونت و خونریزی و هراس و وحشت از ظهور آن حضرت را از اذهانمان زدود و....

این دو کتاب که در حقیقت یکی از آنها یعنی «راهی بسوی نور» کتاب اصلی و دیگری یعنی «در اوج تنهائی» به عنوان خلاصه‌ای از آن و برای معرفی کتاب «راهی بسوی نور» بود، در مدت کوتاهی بطور مکرر تجدید طبع شده و در کمتر از یکسال و نیم بیش از ده مرتبه تجدید چاپ شدند.

(کتاب راهی بسوی نور شش مرتبه و کتاب در اوج تنهائی پنج مرتبه).

در برخی از نقاط دوستان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف کتاب را به مسابقه گذاشته و بدینوسیله کوشیدند مطالب آن را در میان مردم منتشر نمایند. در یکی از این مسابقات دوست عزیزی که دست‌اندرکار مسابقه بود با من تماس گرفت و با گریه و شوق خاصی اظهار نظر شرکت‌کنندگان را برایم قرائت می‌کرد که به چند نمونه اشاره می‌کنم تا شما هم به من حق دهید که پس از آن چه مسئولیت سنگینی بر دوشم حس کردم.

برخی از نظرات خوانندگان کتاب راهی بسوی نور

- ۱- (یک دانشجوی کارشناسی الهیات): محتویات کتاب را اگر انسان با توجه قلبی، آنها را بخواند می‌توان آن را چراغی فرا راه عاشقان صاحب‌الزمان علیه السلام قلمداد کرد....
- ۲- (یک دانش‌آموز دبیرستانی): بایستی بگویم که این کتاب با اینکه فقط توانستم ۱۵۰ صفحه از آن را مطالعه کنم و موفق نشدم بقیه آنرا بخوانم کتاب بسیار خوبی است که

حداقل دانستم امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در بین ما که ادعایمان می شود شیعه هستیم چقدر غریب هستند.

۳- (خانم ش. ا. لیسانس) : مطالب کتاب بسیار جذاب و خوب بود... و راه امیدواری را بر روی ما گشود و روزنه امید برای سازندگی و ارتباط با آن نماینده برحق خدا (بود).

۴- (خانم س. ف. دیپلم) : کتابی است بسیار ارزشمند که سبب آشنایی با امام عصر علیه السلام می شود و تحول عمیقی در فرد خواننده ایجاد می کند.

۵- (یک دانشجو) : محتویات کتاب بسیار عالی است و واجب و لازم است هر مسلمان و دوستدار امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف این کتاب را مطالعه نماید.
و دهها اظهار نظر دیگر...

پس از شنیدن این اظهارنظرها که فقط چند نمونه از آن را ذکر کردم، بناگاه مسئولیتی سنگین بر دوش خود احساس کرده و به ایبن نکته پی بردم که با دیدن چنین آثار پرخیر و برکتی، اگر من در این باره (یعنی تبلیغ و معرفی مولایم

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بوسیله کتاب و... کوتاهی کنم در یاری امام زمانم کوتاهی کرده و عذری در پیشگاه الهی نخواهم داشت. زیرا بالعیان می بینیم همه روزه دهها و صدها نفر از میان هزاران خواننده این دو کتاب با من تماس گرفته و اثرات مثبت مطالبی را که من فقط انتقال دهنده و برگردان کننده آنها از قرآن و روایات و تعالیم بعضی از اولیاء خدا حفظه الله تعالی هستم، بازگو می نمایند و بسیاری از آنها اظهار می دارند ما از خواب غفلت بیدار شدیم حالا در برابر آقا امام زمان ﷺ چه باید کنیم و...

لذا پس از آن مطالب متنوعی در رابطه با ظهور و فرج حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نوشتم و برای چاپ مجدد همین دو کتاب وقت و نیروی زیادی صرف کردم.

بهر حال یک شب مرتب در نظرم می آمد که با نوشتن جزواتی کوتاه و بیدارگر به تبلیغی وسیعتر و گسترده تر اقدام نمایم چرا که معتقدم این تبلیغات شوق و میل به ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را در مردم زنده و موجب یکپارچه شدن دلها در جهت وفا به عهدهی که با آن حضرت

دارند می‌گردد و هرگاه مردم در جهت تعجیل فرج حضرت
بقیّة الله ارواحنا فداه یکدل و یکپارچه شوند و حقیقتاً خواستار
ظهور آن حضرت شده و همانطور که چند ماه قبل از
پیروزی انقلاب بطور یکپارچه دست به دعا برداشته و
پیروزی اسلام و تشریف‌فرمائی امام راحل علیه السلام را از خدای
بزرگ می‌خواستند، با همین یکپارچگی ظهور منجی عالم
بشریت و آنکه همه در انتظار اویند را خواستار شوند طبق
سنت پروردگار، خداوند به سرعت به خواسته مردم پاسخ
داده و اجازه ظهور و فرج به آن حضرت خواهد داد. لذا با
توسل و توجه به پیشگاه مقدّس امام عصر ارواحنا فداه قلم
بدست گرفته و این کار را عملی نمودم تا بخشی از آن وظیفه
سنگین را انجام داده باشم.

«منظور از یک درخواست چیست؟»

شاید بگوئید منظور از «یک درخواست» چیست؟

گوینده آن کیست؟

آن درخواست چیست؟

اگر کسی به شما محبت‌های بسیار کند و بعد از شما «یک درخواست» داشته باشد و همان «یک درخواست» نیز به نفع خود شما باشد، چه می‌کنید؟

اگر آن درخواست کننده شخص بزرگی باشد،

اگر بوجود آورنده و حفظ کننده میلیاردها سلول بدنتان باشد، همانطور که میلیاردها کهکشان با عظمت را حفظ می‌کند چه می‌کنید؟

آری، او همان خدای مهربان است که تنها یک درخواست از ما دارد.

درخواستی که همه چیز در آن نهفته است.

درخواستی که جامعهٔ مرده را زنده، انسانهای بیمار را سالم، فضای تاریک را روشن و عقل را به پیکرهٔ اجتماع باز

می‌گرداند.

درخواستی که بمانند روح در پیکرهٔ بشر وارد و آنرا از مرگ روحی نجات می‌بخشد.

درخواست تلاش برای ظهور منجی،

تلاش برای ظهور انسان کامل که به همهٔ نابسامانیها پایان خواهد داد.

تلاش برای ظهور ابرمردی که نزدیک به دوازده قرن است به انتظار ایستاده تا مردم خواستار ظهورش شوند.

این درخواست، درخواست زنده شدن جامعهٔ مرده است. آیا می‌دانید جامعه‌ای که دچار مرگ روحی شده باشد متعفن می‌شود همانطور که انسان مرده پس از ساعاتی چند متعفن می‌گردد؟

بوی تعفن گناه و معصیت،

بوی تعفن غفلت از یاد خدا،

بوی تعفن جنگ، کشتار، بیرحمی، فقر و محرومیت،

بوی تعفن تجاوز، ظلم و بی‌عدالتی

تعفن حسادت، کینه، بخل، ستم، حیوانیت، درندگی،

خودخواهی، و و...

آیا انسان از اینها نمی‌گریزد و از اشخاصی که دچار این
مرضها هستند فاصله نمی‌گیرد همانطور که از جسد مرده
فاصله می‌گیرد؟

آیا دوست ندارید جسد کسی که عزیز شما بوده دوباره
جان گرفته و روح به پیکرش باز آید و او را در آغوش گیرید
و با او زندگی کنید؟

آیا تنها درخواست شما از خداوند آن نیست که خدایا
عزیز مرا دوباره زنده کن و او را بمن بازگردان؟

با توجه به این مثال آیا ما (انسانها) مانند همان عزیز از
دست رفته‌ای که جسد بیجانش بر زمین افتاده نیستیم که
روح ایمان و انسانیت را از دست داده و جسد متحرکی بنام
بدن و زندگی حیوانی را در سطح کره زمین جابجا می‌کنیم؟
و بقدری از معنویات فاصله گرفته‌ایم که پیشرفت را فقط در
امور مادی خلاصه می‌کنیم ولی خدای عزیز و مهربان
دوست دارد که روح ایمان و تقوا و انسانیت به ما بازگردد و
بوی تعفن جنگ و کشتار و ظلم و بی‌عدالتی و خیره‌سری و

هزاران تعفن دیگر از ما به مشام نرسد؟

پس همانطور که ما برای بازگشت روح به پیکره عزیز از دست رفته دعا می‌کنیم و تنها درخواستمان آن است که او زنده شده و با ما زندگی کند، خدای مهربان هم از ما یک درخواست دارد.

از ما می‌خواهد زنده شویم.^(۱)

از ما می‌خواهد که بطور یکپارچه خواستار ظهور رهبری شویم که با پذیرش رهبری او جامعه مرده‌ای که از زندگی انسانی فاصله گرفته و همه چیزش در مادیات خلاصه شده، زنده گردد.

زیرا جامعه محروم از امام زمان علیه السلام چنانکه طبیب متخصص و آسمانی بشر فرموده جامعه‌ای است مرده. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، آن طبیب دلسوز انسانها به همه اعلام فرمود:

«کسیکه بمیرد در حالیکه امام زمانش را نشناخته باشد

۱- (استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم کما یحکم) دعوت خدا و رسولش آنگاه که شما را به آنچه زنده می‌کند فرا می‌خوانند اجابت نمائید.

مردن او مردن زمان جاهلیت است». (یعنی مردن بر دوری از خدا و ناسپاسی و در نفاق و گمراهی).^(۱)

بنابراین تنها درخواست خداوند از ما آن است که امام زمان خود را بشناسیم و از مرگ روحی نجات یابیم. این درخواست برای آن است که از خواب غفلت برخیزیم و با خدای عزیز و مهربان که دوست دارد با ما حرف بزند انس گیریم.

او از ما می خواهد بیش از این نگذاریم امام زمان آن نجات دهنده بشر که همه ادیان منتظر او هستند اینقدر غریب و تنها بماند و نسلا یکی پس از دیگری بیایند و بروند و هیچکس بیاد او نباشد و هر نسلی او را برای آینده های دور بداند.

او از ما می خواهد به ندای غربت و مظلومیت آن حضرت لبیک گوئیم.

به ندای هل من ناصر ینصرنی آن بزرگوار پاسخ دهیم.

۱- من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة - حدیث مورد اتفاق بین شیعه و

سنی (احقاق الحق ج ۱۳/ ۸۵)

(آیا یاری کننده‌ای هست ما خاندان پیامبر را برای اجراء قوانین الهی و سعادت‌مند شدن بشر یاری کند؟)^(۱)
آیا می‌دانید این ندا را امام عصر ارواحنا فداه تا به امروز بیش از یازده قرن است که در گوش مردم هر زمانی خوانده و از آنان برای ظهور خویش یاری خواسته‌اند؟
اگر جدّ غریب آن حضرت در کربلا چند

مرتبه این ندا را سر داد و به شهادت رسید امام عصر ارواحنا فداه هزاران مرتبه این ندا را به گوش‌ها رسانده و سستی و غفلت و گناهان ما، مانند آن است که هزاران مرتبه آن حضرت را به شهادت رسانده و ندایش را خاموش ساخته است و اگر شهادت بدنی تحقق نیافته، قلب و روح آن حضرت را رنجانده و آثار غم و اندوه فراوان بر پیشانی و اشک در چشمان آن حضرت جاری ساخته است و این غم سنگین شاید کمتر از شهادت جدّ مظلومش حضرت سیدالشهداء علیه السلام در صحرای کربلا نباشد چرا که نتیجه هر

۱- ندای حضرت سیدالشهداء علیه السلام در صحرای کربلا که از همه مردم یاری خواست ولی کسی او را یاری نکرد. (بحار الانوار ج ۴۵/ ۱۲ و ۴۶)

دو یکی است : خانه نشینی و غربت و مظلومیت.
آیا برای جامعه بشری زشت نیست که خداوند نجات
دهنده آنها را از یازده قرن پیش به آنان بدهد و حتی آن
بزرگوار به مردم بگوید که : «اگر مرا بطور یکپارچه بخواهید
هرگز از دیدار من محروم نخواهید شد» ولی هیچکس به
ندای او پاسخ نداده و همه او را به نسلهای آینده حواله
دهند و بگویند حالا حالاها امام زمان علیه السلام ظهور نخواهد
کرد.

آری، خداوند تنها یک موعظه برایمان دارد و بس و آن
اینکه امام زمان خود را بشناسیم و بطور یکپارچه (چه
فردی چه اجتماعی) ظهور مقدّسش را طلب کنیم.

«تشرّف مرحوم آقای فشنّدی»

بد نیست خلاصه‌ای از تشرّف مرحوم حاج محمد علی
فشنّدی تهرانی که در کتاب «راهی بسوی نور» آورده‌ایم را
برایتان نقل کنیم :

مرحوم آقای فشنندی که بطور مکرر به محضر مقدّس حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه مشرّف شده‌اند در یکی از تشرّفات که در حیاط مسجد جمکران اتفاق افتاده به سیّدی ناشناس برمی‌خورند که پس از اتمام ملاقات با او متوجّه می‌شوند که با امام عصر ارواحنا فداه دیدار نموده‌اند.

مرحوم آقای فشنندی فرمودند وقتی لیوان آبی به دست آن سیّد بزرگوار (امام عصر ارواحنا فداه) دادم از ایشان خواستم برای فرج حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه دعا بفرمایند.

ایشان پس از نوشیدن آب، لیوان را بمن پس داده فرمودند: «شیعیان ما به اندازه آب خوردنی ما را نمی‌خواهند، اگر بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما می‌رسد».

تا این را فرمودند من نگاه کردم دیدم آن حضرت در کنار ما نیستند و هرچه به اطراف نگاه کردم اثری از ایشان ندیدم که ناگاه متوجّه شدم امام زمان ارواحنا فداه را ملاقات نموده‌ام. اکنون قدری مشروح‌تر این تنها درخواست و موعظه الهی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«تنها موعظه پروردگار»

این درخواست به عنوان «تنها یک موعظه و سفارش» در قرآن کریم چنین بیان شده است :

«قل انما اعظکم بواحدة»^(۱)

«به مردم بگو : من تنها یک موعظه برایتان دارم».

«ان تقوموا لله، مثنی و فردی».

«سفارش و موعظه‌ام این است که برای خدا بپاخیزید،

دو به دو، یا به تنهایی (فردی و اجتماعی)».

آری، تنها موعظه الهی آن است که مردم بپاخیزند و خود را از مرگ روحی نجات دهند.

به ما گفته می‌شود :

چرا آنچه یک انسان باید داشته باشد،

و آنچه باید یک جامعه انسانی دارا باشد در میان شما

دیده نمی‌شود؟

چرا عدالت در میان شما مرده و بر زمین مانده است؟

۱- سوره سباء آیه ۴۶.

چرا اخلاق انسانی در میان شما به چشم نمی خورد؟
چرا با خدائی که شما را خلق فرموده ارتباطی ندارید و
نماینده او را نمی شناسید؟

چرا به فکر آن نیستید که نماینده پروردگار را رهبر خود
قرار دهید و از علم و عصمت او بهره مند شده و به سعادت
و معنویت برسید؟

پس بخاطر خدا برخیزید و خواستار پایان محرومیت
جامعه از حجت خدا شوید چرا که این محرومیت را خود
شما به وجود آورده و نسل به نسل آنرا ادامه داده اید.
برخیزید و از افول اخلاق انسانی در زمین که در اثر کنار
گذاشته شدن انسان کامل (حضرت بقیة الله ارواحنا فداه) پدید
آمده، جلوگیری کنید.

برخیزید و آن رهبر عدالت گستری را که زنده کننده دین و
احیاء کننده قرآن است از خانه نشینی و غیبت خارج سازید.

«برای خدا بپاخیزید»

خیزش و حرکت هرکس برای چیزی است.
بعضی برای پول و ثروت حرکت می‌کنند.
بعضی برای کسب پست و مقام در جوش و خروش‌اند.
و بعضی...

ولی شما برخیزید و برای خدا قیام کنید.
و آنگاه " برای خدا " قیام کرده‌اید که کارهای خدائی
انجام دهید.

مهم‌ترین و پرارزشت‌ترین کار خدائی که بر زمین مانده
حکومت جهانی منجی آخرالزمان است زیرا با ظهور آن
حضرت همه باطل از بین رفته و همه حق آشکار خواهد
گشت. و لذا رسول اکرم ﷺ در روایتی فرمود:

«بارزشت‌ترین عبادت انتظار فرج است».^(۱)

افراد بشر همه نوع حکومت و ایده و افکار گوناگون را برپا
کرده و آزمایش نموده‌اند ولی حکومت حق و عدالت را

۱- افضل العبادۃ انتظارالفرج - کمال الدین ۲۸۷/۱ باب ۲۵ ح ۶.

هیچگاه برپا ندیده و جهانی پر از حق و حقیقت و خالی از
نیرنگ و خدعه و ظلم و ستم را فقط در آرزوهای خویش
جستجو کرده‌اند.

پس بپاخیزید و برای برپائی حکومت جهانی منجی
آخرالزمان تلاش نمائید.

دست روی دست گذاشتن و به بهانه آنکه هنوز خیلی
مانده امام زمان عج ظهور بفرماید و برای آن حضرت
فعالیت نکردن جفائی بس عظیم در حق آن بزرگوار است.
مگر در دعای عهد نخوانده‌ایم که امام
صادق عج می‌فرمایند: «دشمنان ما زمان ظهور را دور
می‌پندارند ولی ما آنرا نزدیک می‌بینیم».^(۱)

و اگر شیعیان به سفارشات خاندان عصمت علیهم‌السلام عمل
می‌کردند از همان آغاز شاهد فرج و برپائی حکومت اهل
بیت علیهم‌السلام و سپس حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فدای بودند
ولی در اثر القاء آت دشمنان چنین تصور کرده‌اند که ظهور
حضرت مهدی ارواحنا فدای در آینده‌های دور انجام خواهد شد.

۱- انهم یرونه بعیدا و نراه قریباً - دعای عهد مفاتیح الجنان.

همین تصوّرات غلط باعث شد قرن‌ها شیعیان ساکت نشسته و تلاشی برای ظهور آن حضرت ننمایند.

آیا نشنیده‌ایم که امام عصر عجل الله تعالی فرجه از هزار سال پیش خواستار تلاش شیعیان برای سرعت بخشیدن به ظهور خویش شده و از آنان یاری خواسته‌اند؟ آنجا که می‌فرمایند:

«برای ظهور و برای آنکه خداوند با سرعت و عجله آنرا برساند، بسیار دعا کنید».^(۱)

و نیز فرمودند:

«اگر شیعیان ما در وفا به عهدی که با ما دارند یکپارچه می‌شدند هرگز از دیدار ما محروم نشده و با سرعت و عجله به این سعادت دست می‌یافتند».^(۲)

در حالیکه اگر بنا نبود ظهور با تقاضا و درخواست یکپارچه مردم از خداوند صورت بگیرد دلیلی نداشت آن حضرت اینقدر تأکید و سفارش بفرمایند که برای عجله

۱- و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج - احتجاج ج ۲ ص ۵۴۵ شماره ۳۲۴.

۲- و لوان اشیاعنا وفقهم الله... احتجاج جلد ۲ ص ۶۰۰ شماره ۳۶۰.

نمودن خداوند در ظهور (تعجیل فرج) بسیار دعا کنید.
و ما شیعیان زمان حاضر تجربه‌ای بس گرانقدر از انقلاب
شکوهمند اسلامی خود داریم و بالعیان این سنت الهی را
دیده‌ایم که هرگاه مردم بخواهند و در راه خدا و یاری دین
یکپارچه شوند خداوند وضعیت اجتماع را به نفع آنان تغییر
خواهد داد.

همانطور که فرموده است :

«خداوند وضعیت هیچ قومی را تغییر نخواهد داد مگر
آنکه آنان آنچه را که باعث ایجاد آن وضعیت شده و به
اعمال خودشان باز می‌گردد را تغییر دهند».^(۱)
و مردم شریف ایران طبق این سنت الهی حرکت و قیام
خویش را آغاز و موفق شدند وضعیّت جامعه خود را تغییر
دهند.

تأکید قرآن و روایات خصوصاً دو جمله فوق از حضرت
ولی عصر ارواحنا فداه بر آن است که مسأله ظهور و فرج نیز این
چنین است.

۱- ان الله لا یغیر حتی یغیروا ما بانفسهم (سوره رعد آیه ۱۱).

«اگر مردم یکپارچه فرج را بخواهند...»

اگر مردم یکدل و یکپارچه خواستار فرج شوند فرج به سرعت فرا خواهد رسید ولی اگر آنرا به عهده خدا و امام زمان عج بگذارند و بگویند هر وقت خدا خواست فرج را می‌رساند و به اصطلاح دست روی دست بگذارند باعث تأخیر در امر فرج خواهند شد.

چنانکه با قاطعیّت می‌توانیم بگوئیم حداقل یکهزار سال فرج حضرت بقیّة الله ع و ائمه ع بواسطه همین تصور غلط به تأخیر افتاده و امام عصر ع روحی فدا: "خانه نشین" شده‌اند.

چنانکه حضرت صادق ع در روایتی که مجدداً آنرا نقل خواهیم کرد می‌فرمایند: «اگر شما شیعیان هم چنین کنید (مانند بنی اسرائیل که خواستار تعجیل فرج حضرت موسی شدند) خداوند فرج ما را نخواهد رساند ولی چنانچه چنین نباشید و دست روی دست بگذارید کار فرج به تأخیر افتاده و به نهایت زمانی که مصلحت است طول

بکشد طول خواهد کشید».^(۱)

امروز دیگر شیعیان بیدار شده و تجربه انقلاب شکوهمند و نتیجه فداکاریهای خود را مشاهده نموده و دست پر قدرت امام عصر ارواحنا فداه را که پشت این نظام باعظمت را گرفته می بینند ولی چنانکه هر انسانی نیازمند به تذکر و یادآوری است شیعیان نیز شاید بیش از دیگران نیازمند موعظه الهی باشند تا بخواب نروند و امام زمان علیه السلام خود را فراموش نکنند.

فراموش نکنیم که این انقلاب باید بماند وضوئی برای برپائی نماز عظیم بندگی خدا در سطح جهان یعنی ظهور منجی آخر الزمان ارواحنا فداه باشد. گرچه شیاطین همیشه کوشیده اند به طرق مختلف و با ترویج گناهان و حتی نفوذ دادن اشخاص منحرف بظاهر آراسته، چهره اسلام و انقلاب را زشت نمایند و به دنبال آن نگذارند امکانات عظیم این کشور شیعه نشین در جهت تبلیغ و ترویج نام مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه در جهان بکار گرفته شود

۱- مکیال المکارم ج ۱/۳۸۱ و بحار ج ۵۲/۱۳۱.

ولی خداوند تنها سفارش و موعظه خود را می‌فرماید تا ما مجدداً حرکت خویش را در سطحی جهانی جهت بخشیدن و یاور امام زمان خود باشیم و هدف اصلی را فراموش ننمائیم (یَعْظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذْکُرُونَ) شما را موعظه می‌فرماید تا حق را فراموش ننموده و هدف را گم نکنید.^(۱) دنیا امروز تشنه صلح و عدالت است ولی بلندگوهای تبلیغاتی مستکبرین چشم و گوش جهانیان را به روی حقیقت بسته و نمی‌گذارند جهان با امام عصر ارواحنا فداه آشنا شود.

پس شما شیعیان اکنون باید بلندگوی آن حضرت در سطح جهان باشید.

کدام کشور در جهان است که بتواند رادیو و تلویزیونش را در خدمت امام زمان علیه السلام و ترویج نام و مرام آن حضرت قرار دهد؟ تلویزیونهای دنیای غرب، شرق، شمال یا جنوب، کدامیک؟ و همچنین روزنامه‌ها و مجلات و ماهواره‌ها و... و وسائل ارتباط جمعی کدام کشور؟

۱- یَعْظُکُمْ لَعَلَّکُمْ تَذْکُرُونَ (سوره نحل آیه ۹۰).

و آنگاه خداوند پس از تنها موعظه‌اش...

پس بپاخیزید و نام امام عصر علیه السلام را در میان خود زنده کنید
و بدانید در این صورت خدا شما را یاری خواهد کرد و
پشتیبانتان خواهد بود.

«ان تنصروا لله ینصرکم و یثبت اقدامکم».^(۱)

(اگر شما خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری کرده و
محکم و استوارتان می‌دارد).

و یاری خدا، یاری نماینده او امام زمان ارواحنا فدای است که
باید همه با جان و مال او را در اجراء اهداف مقدّسش یاری
کنند.

«و آنگاه خداوند پس از تنها موعظه‌اش...»

و آنگاه خداوند مهربان پس از تنها موعظه و سفارش خود
می‌فرماید:

«ثم تتفکروا ما بصاحبکم من جنة، ان هو الا نذیر لکم

۱- سوره محمد آیه ۷ - اگر خدا را یاری کنید خدا هم شما را یاری خواهد کرد.

بین یدی عذاب شدید».^(۱)

پس از آن بنگرید و نیک تفکر کنید آیا در پیامبر خود که همراه و دلسوز شماست هیچ دیوانگی می بینید؟ جز این است که او شما را از عذابی شدید که در پیش روی شماست بیم می دهد؟

آری نیک بنگرید در سخنان پیامبری که شما را با منجی عالم بشریت که فرزند خود اوست آشنا نموده و از عذابهایی که در اثر بی معرفتی به آن حضرت برای امت اسلامی اتفاق می افتد بیم می دهد همانطور که فرمود: کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناخته باشد به مرگ زمان جاهلیت (یعنی در کفر و نفاق و گمراهی) مرده است. او شما را از جامعه مردهای که امام زمانش را شناسد بیم می دهد.

مگر نه اینست که تمام عذابهای الهی در اثر دور شدن مردم از راه حق بر آنان نازل می شود و جامعه یا فردی که امام زمانش را شناسد بکلی از راه حق دور شده و بیراهه

۱- سوره سباء آیه ۴۶.

می‌رود.

پیامبری که آمده است تا با کمک دوازده جانشین
معصومش به جهل و ظلم و ستم در کره زمین خاتمه دهد و
از اینرو خاتم پیامبران است،

پیامبری که نوید ظهور منجی آخرالزمان را می‌دهد و
می‌گوید او نامش " مهدی " و فرزند و جانشین من است،
پیامبری که دلسوز شماست.

پیامبری که بخاطر آنکه شما به جهنم نروید خود را به
مشقت شدید می‌اندازد،

پیامبری که قانون اساسی زندگی را بر شما می‌خواند،
پس برخیزید و خواستار اجراء این قانون شوید.

قانونی که به زندگی معنی می‌بخشد،

قانونی که جامعه مرده را زنده می‌کند،

قانونی که اخلاق انسان را عوض می‌کند،

انسان حسود را خیرخواه،

افراد شرور را نیکوکار،

و انسان تنبل و سست را، پرکار و فعال می‌نماید،

افراد زورگو را عادل، افراد پست را ارزشمند و انسان درنده‌خو را آرام و صفات زشت حیوانی و شیطانی را از انسان می‌زداید،

با اجراء این قانون که قانون زندگی و عدالت است،
قانونی که از جانب خداست،
قانونی که خطا ندارد،

قانونی که میلیون‌ها سال دیگر هم بشر مانند امروز و دیروز
بدان نیازمند و محتاج است،

قانونی که خالق انسان برای اداره زندگی به او عنایت
فرموده همانطور که سازنده یک دستگاه، دفترچه راهنمای
استفاده از دستگاه را به‌مراه آن به خریدار می‌دهد.

آری قانون انسانیت و عدالت و حقیقت بر زمین مانده و
تنها یک قیام که رهبر آن منجی عالم بشریت باشد این قانون
بر زمین مانده را زنده خواهد کرد.

«بابت پیامبر اکرم ﷺ کار اصلاح جهان شروع شد»
در حقیقت با بعثت پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ کار

ساختن جامعه انسانی بوسیله این قانون شروع شد.
برای این منظور خداوند دوازده جانشین معصوم برای آن
حضرت تعیین کرد تا پس از وفات آن حضرت، یکی پس از
دیگری رهبری مردم را به عهده گرفته و جهان را آماده
اجراء حکومت عدل منجی عالم بشریت نمایند.
این دوازده نفر، دوازده امام و پیشوای معصوم از خطا
بودند.

این دوازده نفر قلبشان به عالم بالا متصل و خداوند آنانرا
از همه چیز مطلع نموده بود تا در رهبری انسانها دچار
مشکل "نمی‌دانم" نشوند زیرا بسیاری از مشکلات و شاید
تمامی آنان از "ندانستن" رهبران جامعه سرچشمه می‌گیرد
همانطور که وقتی انسان شمارهٔ تلفن منزل دوستش را نداند
در تماس با او دچار مشکل شده و تا به شماره مورد نظر
دسترسی نداشته باشد هرگز نمی‌تواند با او تماس تلفنی
برقرار نماید.

دستیابی به صلح و عدالت در سطح جهان و رفع فقر و
محرومیت از تمام کره خاکی و ارتباط با پروردگار و داشتن

روح ایمان و نزدیکی به خداوند دارای اصول و قوانین مخصوصی است که بدون دانستن آن انسان سردرگم شده و راه به جایی نمی‌برد و گره‌ای نیز از کارش گشوده نخواهد شد و حتی با گذشت زمان روز به روز در رسیدن به حقیقت دچار مشکلات بیشتری خواهد گردید.

از اینروست که جامعه بشری دچار سردرگمی شده و راه دستیابی به صلح و عدالت و انسان شدن و با خالق خویش ارتباط برقرار نمودن را نمی‌داند.

افراد بشر هر یک نظری می‌دهند و برای رسیدن به یک زندگی مطلوب که مورد رضایت پروردگار نیز باشد دچار اختلاف می‌باشند بطوری که صدها گروه و فرقه در عالم ایجاد شده و هریک داعیه اجرای صلح و عدالت را دارند در حالیکه هر انسان عاقلی می‌داند اگر شماره تلفن مخصوص خانه سعادت و حقیقت را ندانیم هرگز موفق به تماس با آن نخواهیم شد و همه ما می‌دانیم که این شماره در دست کسی جز خالق انسان نیست و او این قانون را به بشر عرضه نموده و به آنان فهمانده است بی‌جهت خود را سرگردان نکنند و

تنها همان شماره و رمز مخصوص داده شده را بگیرند.

«رمز مخصوص دستیابی به صلح و عدالت؟»

خواهید پرسید : آن رمز مخصوص که بشر را به صلح و عدالت و معنویت می‌رساند چیست؟
پر واضح است که هرگاه رهبری معصوم و دانا بهمه چیز از جانب خداوند در میان بشر باشد آن رمز مخصوص را می‌داند و در حقیقت باید بگوئیم :
آن رمز مخصوص خود اوست،
اگر مردم این رمز را دریابند،
اگر او را بشناسند،
اگر بدانند که خداوند انسان را بدون رهبری معصوم و دانا بهمه چیز رها نمی‌سازد،
اگر بدانند که او زنده و حاضر در میان آنان بسر می‌برد،
اینجاست که به رمز دست یافته‌اند،
اینجاست که به پایان خط انحراف و سردرگمی و

نابسامانی رسیده و با یک حرکت خواهند توانست برای همیشه به ظلم و انحراف و دوری از خدا پایان دهند.

«رمز دوازده شماره‌ای»

مثل آن دوازده جانشین پیامبر آخرالزمان که باید قانون جامع و کامل زندگی انسانی را پیاده نمایند مثل یک رمز دوازده شماره‌ای است.

تا انسانها این دوازده شماره را نگیرند با خدا ارتباطی برقرار نخواهند نمود و شیطان آنها را منحرف خواهد کرد. هر یک از آن دوازده امام موظف بودند در زمان خود برنامه خاصی را بر جامعه بشری پیاده کنند تا وقتی آخرین امام که منجی عالم بشریت است شماره خود را (مانند تلفن) گرفت تماس خلق با خالق برقرار شود، مردم به سعادت برسند، دنیا پر از عدل و داد گردد.

همه مردم از ثروت، سلامتی جسمی، غذا و لباس شایسته، امنیت کامل، پیشرفت علمی و معنوی، کمالات

روحی، و... بهره‌مند باشند بطوری که در تمام کره زمین هیچ انسانی دچار مشکل نباشد، و راه رسیدن به کمالات روحی برای عموم هموار گردد.

متأسفانه مردم با عدم رشد فکری خود به آسانی یازده شماره سعادت را از دست دادند و می‌رفت که دوازدهمین شماره نیز از زندگی بشر بواسطه شهادت خط بخورد و زندگی در کره زمین به پوچی و بیهودگی مبدل گردد، که خداوند اجازه چنین چیزی را به جامعه بشری نداد.

«پرهیز از عذاب شدید»

آری تنها موعظه الهی آن است که ای مردم بپاخیزید و برای اجابت به ندای پروردگارتان و رسول او که شما را به زندگی صحیح فرا می‌خواند لبیک گوئید. برخیزید و نیک بنگرید که او شما را از عذابی شدید بیم می‌دهد.

عذابی که در اثر نپذیرفتن جانشینان معصوم آن حضرت و

کنار زدن آنان از رهبری جامعه پدید می آید.
عذابی شدید که در اثر دوری مردم از منجی آخرالزمان و
خانه نشین کردن او به وجود می آید.
ای مردم اگر از جانشینان پیامبران اطاعت نکنید و آنان را
در برابر دشمنان انسانیت یاری ننمائید عذابی دردناک در
دنیا و آخرت در انتظار شماست.
ای مردم اگر کاری کنید که جانشینان پیامبر من خانه نشین
شده و به شهادت برسند آخرین جانشین او فرزندش
حضرت مهدی علیه السلام از شما خود را پنهان کرده و غیبت
خواهد نمود.
غیبت او عذابی شدید برای شماست.
با غیبت او جامعه بشری انسانیت را از یاد خواهد برد.
به فقراء توجهی نخواهد داشت.
جان انسانها در نظرش قیمتی نداشته و میلیونها نفر در
جنگهای خونین مانند جنگ جهانی اول و دوم و سایر
جنگهای هولناک پس از آن نابود خواهند شد. (که رقم این
تلفات در حدود یکصد میلیون نفر می رسد)

با غیبت او صفات پلید در انسانها رشد خواهد کرد.
دزدی و قتل و جنایت بیداد می کند.
با غیبت او محیط زیست تخریب خواهد شد.
با غیبت او افراد خائن و دروغگو با نامهای فریبنده و
بظاهر زیبا شخصیت انسانهای دیگر را پایمال و آنان را
استعمار خواهند نمود.
جهان را به طبقات مختلف تقسیم و ملتهای دیگر را عقب
افتاده و آنانرا در فقر و گرسنگی و نادانی و عقب ماندگی نگه
خواهند داشت.
پیشرفتهای دانشمندان را در انحصار خود قرار داده و از
آن به نفع ریاست و قدرت خود استفاده خواهند کرد و
جهانیان را با زور و قدرت تسلیم و وادار به بندگی خود
خواهند نمود و بجای من خود را خدای مردم قرار خواهند
داد.
نماینده مسرا که حضرت مهدی علیه السلام یا همان
منجی آخرالزمان می باشد به فراموشی سپرده، یاد او را از
اذهان مردم خواهند زدود تا دنیا با آن حضرت آشنا نگردد

از او و استمداد نجوید.

با غیبت فرزند پیامبر ﷺ حضرت مهدی ﷺ و ادامه پنهان
زیستی او جامعه بشری بی رهبر و بی نجات دهنده خواهد
ماند.

ای مردم من تنها یک موعظه به شما دارم و آن اینکه
برخیزید و پیامبر و جانشینان او علی بن ابیطالب ﷺ و
فرزندان معصومش خصوصاً منجی آخرالزمان را بشناسید
تا از عذابهای شدید در امان بمانید.

مردم بدانید اگر حضرت مهدی ﷺ را یاری کنید او غائب
نخواهد شد.

او قیام خواهد کرد و جهان را از شرّ ظلم نجات خواهد
داد.

اگر او را یاری کنید هیچگاه جنگ و خونریزی و فقر و
فساد و فحشاء و هیچ‌گونه نابسامانی در میان خود نخواهید
دید.

افسوس که نسلهای بشر یکی پس از دیگری آمدند ولی
هیچیک به ندای پروردگار پاسخ ندادند، ائمه اطهار ﷺ

یکایک به شهادت رسیده و امام عصر ارواحنا فداه همانند جدّش علی بن ابی طالب علیه السلام خانه نشین گشته و به انتظار نشسته است.

«خانه نشینی مظلوم اوّل و مظلوم آخر»

اگر نیک بنگریم ۱۱۶۵ سال غیبت امام عصر ارواحنا فداه را در ۲۵ سال خانه نشینی جدّ مظلومش علی بن ابی طالب علیه السلام می توانیم خلاصه کنیم.

همانگونه که مردم با سستی و عدم رشد فکری خود باعث خانه نشینی علی بن ابی طالب علیه السلام شدند و تا ۲۵ سال آنرا ادامه داده و سپس بناچار به آن حضرت روی آوردند، همچنین با فرزند مظلومش حجة بن الحسن ارواحنا فداه نیز چنین کردند که تاکنون این سستی و ضعف ادامه یافته و آن حضرت به فراموشی سپرده شده است.

و اینک باید شیعیان بپاخیزند،

یکپارچه شوند،

و بر خانه نشینی و مظلومیت عزیز عزیزان حضرت

بقیة الله ارواحنا فداء اشک بریزند، و بکوشند به این غربت پایان دهند و به ندای غربت و مظلومیتی که هزار سال است در گوششان طنین افکنده پاسخ دهند.

«پیام چه بود»

می دانید امام دوازدهم به مردم چه پیامی داد؟
آن حضرت در نامه‌ای که توسط شیخ مفید اعلی الله مقامه به دست مردم رسید به آنان و همه نسلهای بعد پیام داد که اگر به عهد خود با ما وفا نمائید و بطور یکپارچه برخواسته و خواستار ظهور ما شوید خداوند به سرعت و با عجله خداوند فرج را خواهد رساند و برای همیشه به ظلم و ستم و بی عدالتی در جامعه بشری پایان خواهد داد.

در این پیام که در سال ۴۱۲ هجری قمری ارسال شده و اکنون بیش از هزار سال از آن وقت می گذرد آمده است :

«و لو ان اشیاعنا و فقههم الله لطاعته علی اجتماع من القلوب فی الوفاء بالعهد علیهم لما تأخر عنهم الیمن بلقائنا

و لتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة منهم
بنا...»^(۱)

یعنی : «چنانچه پیروان ما که خداوند به آنان توفیق
اطاعت دستورات خویش را مرحمت فرماید در یاری ما
یکپارچه می‌شدند و به عهده‌ی که با ما دارند عمل
می‌نمودند هرگز میمنت دیدار ما از آنان به تأخیر
نمی‌افتاد و به سرعت و با عجله سعادت محضر ما
نصیبشان می‌شد، دیداری راستین و با معرفت حقیقی از
سوی آنان به ما...»

حضرت ولی عصر علیه السلام ، برای اتمام حجت و برای آنکه
مردم در روز قیامت نگویند ما چون امامی نداشتیم از راه
حق منحرف شدیم، به آنان و ما این پیام را داد.
زیرا شرایط برای آنان و ما یکی است.

همه ما از رهبری انسان کامل یعنی مصلح آخرالزمان،
موسوعود ادیان، منجی انسانها حضرت مهدی ارواحنا فداه
محرومیم.

۱- احتجاج طبرسی (۱) ج ۲ ص ۶۰۰ (شماره ۳۶۰).

علّت این محرومیت به خود ما برمی گردد.
ما هم مانند نسلهای قبلی آن رشد فکری را از خود نشان
نداده ایم و خواستار ظهور و قیام آن حضرت نشده ایم.
آن انسان کامل یک هزار و یکصد و شصت و پنج سال تا این
زمان که سال ۱۴۲۰ هجری قمری است صبر نموده و
خداوند او را حفظ نموده است.

«مانند لامپی روشن»

خداوند خواسته است بشر را اصلاح و او را به مقام
انسانیت کامل برساند.

مثالی می زنم تا مطلب روشنتر شود.

همانطور که شما یک لامپ را که به دست خود ساخته اید
برای آن ساخته اید که روشن شود و فضای تاریک را نورانی
نماید و دوست ندارید خاموش باشد و در سطل زباله قرار
گیرد، خداوند متعال هم دوست دارد انسان را که با دست
خود او را خلق فرموده بمانند یک لامپ مرکز نور و اخلاق

و صفات نیک قرار دهد و بوسیله او فضای تاریک جهل و ظلم را بزدايد.

آری، خداوند ما را برای انعکاس نور خود (که این نور از دو جزء یعنی علم به حقایق و خوبیها و پاکی از زشتیها تشکیل شده) خلق فرموده و دوست ندارد حتی یک انسان را بمانند لامپی خاموش و سوخته در زباله دانی جهنم بیندازد.

این ما هستیم که با گریختن از خدا و معصیت او و حرکت طبق خواسته‌های دل لامپ وجود خویش را از اتصال به سیم کلمات وحی و راهنمائیهای پیامبران و جانشینان آنان و امروز از راهنمائیهای حجّت خدا حضرت مهدی ارواحنا فداه محروم نموده و خاموش و بی نور و بی معنویت هستیم و در زندگی مادی و زباله‌های متعفن گناه و رذایل اخلاقی غوطه می‌خوریم.

«یازده قرن انتظار»

خداوند مهربان برای آنکه ما را به نور خویش هدایت و روحمان را به صفات نیک روشن فرماید در برابر جهل و عدم رشد فکری ما از یازده قرن پیش تاکنون صبر نموده و عمری بس دراز به حجت خویش عطا فرموده است. خداوند آن حضرت را به قدرت خویش زنده و سالم و حتی جوان نگه داشته است.

در طول تاریخ یازده قرن غیبت آن حضرت صدها و بلکه هزاران نفر بطور متفرق آن حضرت را دیده و حتی عده‌ای آن بزرگوار را شناخته و از خرمن علومش خوشه‌ها چیده‌اند.

این حقیقت را باید بپذیریم که خداوند برای اصلاح بشر نماینده خویش را زنده نگه داشته و برای خداوند این کار آسان است شاید بعضی از ما که ناتوان از افزودن حتی یکساعت بر عمر خویش هستیم این مطلب را بعید بدانیم ولی دانش ما نباید گرفتار جهلمان گردد در حالیکه می‌دانیم

خداوند قادر است اشیاء بسیاری را هزاران سال زنده و سالم نگه دارد چه بُعدی دارد که نماینده خویش را برای نجات انسانها از جهالت و بدبختی تا هر زمان که لازم می‌داند زنده و سالم و جوان نگه دارد؟

«اکنون روی سخن با ماست»

نسلهای گذشته اگر به این پیام پاسخ می‌دادند و بطور یکپارچه به یاری امام زمان خود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌شتافتند.

اگر آنان به همان یک موعظه الهی گوش می‌دادند و بخاطر خدا و برای رسیدن به صلح و عدالت و ظهور منجی قیام می‌نمودند.

اگر خواستار اجراء قانون حق توسط حضرت مهدی ارواحنا فداء می‌شدند.

اگر چنین می‌کردند از همان زمان ظهور آن حضرت انجام می‌شد.

آن رهبر صلح و عدالت قیام می فرمود.
آن انسان کامل هدایت جامعه بشری را در دست
می گرفت.
او اکنون در بین ما است.
او منتظر ما است.

«و اینک یک پیام، یک موعظه»

و اینک یک پیام،
یک موعظه،
و یک درخواست در پیش روی ما است.
خدای مهربان، بیش از چهارده قرن است که هر روز در
گوش ما این سخن را می خواند که :
«قل انما اعظکم بواحدة ان تقوموا لله مثنی و فردای...».
بگو من یک موعظه برایتان دارم و آن موعظه این است که
بخاطر خدا برخیزید.
پا خیزید و منجی آخرالزمان حضرت مهدی علیه السلام را

دریابید.

یکپارچه او را بخواهید.

زیرا تنها یک موعظه کافی است.

و همین یک موعظه است که همه چیز را بدنبال دارد.

این موعظه بازگشت عقل به میان بشریت و پایان جنگها و خونریزیها و کشمکشهاست.

این موعظه تنها درخواست پروردگار از ما است.

پس همه با هم یکپارچه شده و به ندای امام زمانمان لبیک گوئیم و در همه جا و همه وقت، در همه اجتماعات بزرگ و کوچک، در خلوت خانه‌هایمان و در مساجد و تکایا و در نمازهای جمعه و جماعت و پس از هر نماز عاجزانه دست به دعا برداشته و ظهور مولا یمان حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را طلب کنیم.

این یکپارچگی ما شیعیان همان رمز ظهور حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه است که در پیام آن حضرت با جمله (علی اجتماع من القلوب...)

با دل‌هائی یکپارچه به عهد خود با ما وفا نمائید) منعکس

شده است.

«شاید بگوئید جهان هنوز آماده نیست...»

شاید بگوئید جهان هنوز آماده نیست و معلوم نیست آن
حضرت چه وقت ظهور بفرمایند؟

پاسخ می‌دهیم: چنانکه در این نامه آمده آن حضرت
یکپارچگی شیعیان خود را برای رسیدن ظهور و فرج کافی
می‌دانند.

آری همانطور که شیعیان ایران یکپارچه شده و در سال
۱۳۵۷ شمسی پیروزی اسلام و تشریف‌فرمائی رهبر کبیر
انقلاب را خواستار شدند و خداوند این عنایت را از آنان
دریغ نفرمود اگر همانطور یکپارچه شده و ظهور مولایشان
را طلب کنند خداوند فرج را خواهد رساند چنانکه در
تشرّف مرحوم آقای فشنودی امام عصر ارواحنا فداه فرمودند:

«اگر شیعیان ما را بخواهند دعا می‌کنند و فرج ما

می‌رسد».

البته بررسی این مطلب که چرا شیعیان هم اکنون در این فکر نیستند و مسائل دیگری را مدّ نظر دارند بحثی جداگانه دارد که اکثر آنرا در کتاب راهی بسوی نور بطور مشروح نگاشته‌ایم ولی کافیست که بطور مختصر بگوئیم :

علت عمده آنکه ما ظهور حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه را در باور خود نگنجانده‌ایم و آن را دور می‌پنداریم، آن است که:

۱- ما را از ظهور آن حضرت ترسانده و آنرا با شمشیر برهنه که به همه گنهکاران اصابت می‌کند و با جوی خون و بیرحمی و خشونت توأم ساخته‌اند و این کار توسط دشمنان آن حضرت صورت گرفته که متأسفانه گاهی بر زبان دوستان ناآگاه نیز جاری می‌شود و نتیجه آن، ترس از ظهور و فراموشی از آن بزرگوار است زیرا انسان از آنچه می‌ترسد می‌گریزد و آنرا به فراموشی می‌سپارد در نتیجه از اعماق قلب برای فرج حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه دعا نمی‌کند.

۲- باور نکرده‌ایم که ظهور آن حضرت مانند پیروزی انقلاب اسلامی به دست خود ما و یکپارچگی ما است.

اگر بپذیریم که یکپارچه شده و فرج آن حضرت را از

خدای بزرگ تقاضا کنیم، دیری نمی پاید که خداوند به این خواسته برحق پاسخ مثبت خواهد داد. و لذا به این مطلب توجه ننموده ایم که ما شیعیان طبق سفارش حضرت بقیة الله ارواحنا فدای باید برای جلو افتادن فرج بسیار دعا کنیم زیرا آن حضرت در توقیعی فرموده اند :

” و اکثروا الدعاء بتعجيل الفرج فان ذلك فرجکم “^(۱)

«برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که این فرج خود

شماست».

اگر دعا برای تعجیل فرج باعث جلو افتادن فرج نمی شد صحیح نبوده که آن حضرت چنین دستوری صادر بفرمایند.

توضیح آنکه :

آن حضرت بیش از هزار سال است از ما خواسته اند برای آنکه خداوند در ظهور و فرج ”عجله“ نماید ”بسیار“ دعا کنیم معلوم می شود اگر مردم به این سفارش عمل می کردند خداوند در ظهور آن حضرت ”عجله“ می نمود.

۱- احتجاج جلد ۲ ص ۵۴۵ شماره ۳۴۴.

شاید بگوئید جهان هنوز آماده نیست...

معنی این سخن آن است که اگر مثلاً هزار سال بعد می‌خواست فرج آن حضرت انجام شود خداوند "عجله" نموده و آنرا در ده سال بعد از دعای مردم می‌رساند همانطور که وقتی شما عجله می‌کنید، کاری را که باید یکماه دیگر انجام شود، دو روز دیگر انجام می‌دهید.

البته اینکه خداوند در فرج عجله نماید آیا صحیح است یا نه؟ بحثی است که در کتاب راهی بسوی نور آنرا بطور مشروح توضیح داده‌ایم و گفته‌ایم که عجله از سوی ما باعث خراب شدن کار می‌شود ولی عجله از سوی خداوند چنین نیست و خداوند می‌تواند بدون خراب شدن کار آنرا زودتر انجام دهد و لذا دستور آن است که از خدا بخواهید در فرج امام زمان علیه السلام عجله نماید ولی خود شما عجله نکنید و تسلیم باشید تا هر وقت خدا خواست اینکار را انجام دهد چرا که شما به مصالح عمومی جامعه بشری آگاه نیستید.

۳- دائماً به ما القاء کرده‌اند که جهان آماده ظهور نیست و ظهور آن حضرت در زمانهای بسیار دور و در آینده

صورت می‌گیرد تا مردم هر زمانی امام زمان علیه السلام را به نسلهای آینده حواله دهند و آن حضرت را از جامعه و زمان خود خارج ساخته و دعای حقیقی برای فرج ننمایند چرا که مردم بطور طبیعی آنچه را که مربوط به زمان خودشان است مورد توجه قرار می‌دهند و بدینوسیله دشمن موفق شده است امام زمان علیه السلام را تنها و غریب قرار داده و آن حضرت را از افکار روزمره مردم خارج نماید. باید بدانیم خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام عکس این مطلب را بما فرموده‌اند. آنان فرموده‌اند: «دشمنان ما ظهور را دور می‌پندارند ولی ما آنها نزدیک می‌بینیم».^(۱)

«اگر به این مطلب توجه می‌شده‌مان موقع فرج می‌رسید» اگر به این نکته توجه داشته باشیم که وقتی امام صادق علیه السلام حدود ۱۳۰۰ سال پیش این مطلب را فرموده‌اند و راه راست را آن دانسته‌اند که از همان زمان ظهور امام زمان علیه السلام را نزدیک بدانیم متوجه دو مطلب می‌شویم: یکی آنکه، اگر

۱- مفاتیح الجنان - دعای عهد - انهم یرونه بعیداً و نراه قریباً.

شیعیان به این فرمایش و سایر دستورات خاندان عصمت علیهم السلام توجه نموده و امامان معصوم علیهم السلام و امام زمان علیه السلام را یاری می کردند در همان موقع فرج می رسید و موکول به زمانهای آینده نمی شد زیرا معنی فرمایش آن حضرت که ما ظهور را نزدیک می بینیم این است که اگر شما ما را یاری کنید ما ظهور را نزدیک می بینیم.

و ثانیاً می فهمیم که هم اکنون ما شیعیان که ظهور امام زمان علیه السلام را نزدیک نمی بینیم در صراط مستقیم نیستیم و افکار دشمنان خاندان عصمت علیهم السلام را که ظهور آن حضرت را دور می پندارند پذیرا شده ایم.

«اثرات منفی دور پنداشتن ظهور»

آیا می دانید وقتی مردم ده قرن پیش امام زمان علیه السلام را برای مثلاً پانصد یا هزار سال بعد بدانند و مردم هزار سال بعد که ما هستیم نیز همین گونه فکر کنند و مردم قرن بعد نیز آنرا دنبال کرده و امام زمان علیه السلام را به قرنهای بعدی حواله دهند

چه مصیبتی بوجود خواهد آمد؟ همان مصیبتی که تابحال پیش آمده و در اثر این طرز تفکر از یازده قرن پیش تاکنون بیش از هزار سال صلح و عدالت جهانی پایمال شده و رهبر بشر خانه نشین شده است، مجدداً تکرار خواهد شد.

«چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد؟»

آیا علت طولانی شدن غیبت امام زمان عج همین طرز تفکر غلط ما نیست؟ و آیا از خواب غفلت بیدار نمی شویم که این مطلب از سوی شیطان به ما القاء شده تا به فکر حکومت جهانی اهل بیت ع نیفتیم و خواستار آن نشویم؟ همانطور که شیطان توبه کردن را از انسان تأخیر انداخته و می گوید هنوز وقت بسیار است بعداً توبه می کنی که انسان بعداً هم توفیق توبه پیدا نمی کند.

«توبه اجتماعی مردم»

ظهور امام عصر از و احفاده نیز همان توبه اجتماعی مردم است که شیطان می کوشد آنرا به تأخیر بیندازد تا افراد

بیشتری را جهنمی نماید. آیا می‌دانیم با پذیرش این طرز فکر نادرست از سوی مردم هزارسال پیش و نسلهای پس از آن و امروز پذیرش آن توسط ما، چه فجایعی رخ داده و چند میلیون و بلکه چند میلیارد نفر جهنمی شده‌اند و چه جنگها و چه فسادهایی در زمین رخ داده است که تنها در جنگ جهانی اول و دوم قریب یکصد میلیون نفر کشته و معلول و... شده‌اند که همه این مفاصد بخاطر طرز تفکر غلط ما است و هم‌اکنون نیز چه مفاصد عظیمی جهان را فراگرفته که اکثریت جمعیت کره زمین را بسوی انحراف و جهنم سوق می‌دهد، آیا از خواب بیدار نمی‌شویم و باز هم می‌گوئیم هنوز وقت یکپارچه نمودن مردم برای درخواست ظهور منجی عالم بشریت نیست؟

«آیا نوبت امام زمان علیه السلام نشده؟»

و ما که پس از یازده قرن به دنیا آمده و همان نسلهای آینده از نظر مردم یازده قرن پیش هستیم مجدداً همان

تصوّر را داریم و با خود فکر می‌کنیم امام زمان عج مربوط به زمانهای آینده است.

آیا این طرز برخورد با امام زمان عج مانند برخورد با کسی که در صفی طولانی قرارش داده و پس از ساعتها انتظار به سر صف می‌رسد و تا نوبتش می‌شود روی خود را از او برگردانده و می‌گوئیم هنوز نوبت شما نشده، به آخر صف بروید و او مجدداً به آخر صف رفته و مدت‌ها به انتظار می‌نشیند و پس از چند ساعت انتظار وقتی نوبتش فرا می‌رسد، باز روی از او برگردانده و او را به آخر صف می‌فرستیم و اینکار را دهها مرتبه تکرار می‌نمائیم نیست؟

آیا شیعیان ده قرن قبل آن حضرت را به نسلهای آینده حواله نداده و به آخر صف نفرستادند با آنکه نوبت آن حضرت فرا رسیده بود و از مردم آن زمان کمک و یاری می‌خواست؟ (که هزار سال پیش در نامه پربرکت خویش به شیخ مفید رحم خطاب به ما فرمود: "اگر شیعیان به عهد خود با ما بطور یکپارچه وفانمایند هرگز سعادت دیدار ما را از دست نخواهند داد".

آیا نوبت امام زمان علیه السلام نشده است؟

و آیا تاکنون امام زمان علیه السلام بیش از دهها مرتبه به اوّل صف نرسیده و نوبتش نشده و مجدداً به آخر صف نرفته است؟ و خداوند متعال بجای آن حضرت نمی فرماید که من منتظر هستم؟ (فانتظروا انی معکم من المنتظرین) که در بیش از شش جای قرآن این مطلب تکرار شده؟

و پس از قرنهای انتظار، انقلابی شکوهمند در ایران اسلامی برپا شد و انتظار می رفت اکنون که امام عصر ارواحنا فدای نوبتش فرا رسیده خواسته اش (که یکپارچه شدن ما برای ظهور مقدّس آن حضرت از تمامی ابعاد تبلیغاتی فرهنگی، رسانه ای، سخنرانی و ... است) را پاسخ گوئیم.

ولی متأسفانه با غفلی که نشان می دهیم مجدداً در حال فرستادن آن حضرت به آخر صف بوده و او را به نسل های آینده حواله می دهیم (می گوئیم: هنوز خیلی مانده امام زمان علیه السلام ظهور بفرماید) چنانکه از ده قرن پیش هم همین طرز فکر به شکل مرموزانه ای در میان ما القاء شده است.

آیا ندای غربت و مظلومیّت اماممان را نمی شنویم که:
پس از یازده قرن انتظار و دهها مرتبه فرا رسیدن نوبت من،

حال که شما شیعیان عزّت و اقتدار یافته‌اید (و همین عزّت و اقتدار را خداوند بخاطر دعاها و تلاشهای من بشما داده است) پس به چه جرمی مرا فراموش نموده و در زمان حاضر مرا مطرح نمی‌کنید؟

اگر من امام زمان شما هستم پس چرا عمل شما می‌گوید من امام زمان چند قرن پس از شما هستم نه امام زمان شما!

شما با بی‌توجهی و غفلت خود مرا مضطر کرده و ندای غربتم را آشکار و بلند می‌کنید.

اکنون آیا نمی‌شنوید که خداوند می‌فرماید:

«الم یان للذین آمنوا ان تخشع قلوبهم لذكر الله...»^(۱)

آیا زمان آن فرا نرسیده که مؤمنین دلهایشان بیاد خدا نرم و خاشع گردد؟

آیا نوبت من فرا نرسیده؟

آیا نوبت من فرا نرسیده؟

آیا نوبت من فرا نرسیده؟

۱- سوره حدید آیه ۱۶.

آیا نوبت امام زمان علیه السلام نشده است؟

امید آنکه با یکپارچگی خویش به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه توجه نموده و همیشه و همه جا بطور فردی و اجتماعی و با دلی شکسته ظهور مقدّسش را از خدای بزرگ بخواهیم و به سخن آنانکه برای ظهور امام زمان علیه السلام مصلحت اندیشی نموده و می‌گویند هنوز وقت ظهور نیست توجه ننمائیم چرا که خداوند و خاندان عصمت علیهم السلام از هزار و صد سال پیش ظهور و حکومت عدل حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه را به مصلحت بشر دانسته و مردم را ترغیب به تلاش عملی (اصلاح اعمال و اخلاق) و تلاش در جهت دعا برای فرج آنحضرت نموده‌اند و این سستی مردم بوده که باعث تأخیر در امر ظهور گردیده است.

چنانکه امام عصر ارواحنا فداه در همان نامه (نامه به شیخ مفید رحمته الله) علت اصلی محرومیت مردم از آن حضرت را سستی و اعمال ناپسند خودشان عنوان نموده و می‌فرمایند:

«پس تنها چیزی که باعث می‌شود آنان از دیدار ما محروم شوند اعمال ناپسند خود آنان است که گزارش آن

بما می‌رسد و ما از آنان چنین توقعی نداریم».

«چرا خداوند فقط یک موعظه به مردم فرموده است»

این جمله قابل دقت و بررسی است که چرا خداوند فرموده است «من تنها یک موعظه برایتان دارم».

اگر شما بودید آیا چنین نمی‌کردید و تنها یک موعظه و یک سفارش نداشتید؟

چرا، شما هم چنین می‌کردید.

آیا شما به فردی که در دریا افتاده و نزدیک است غرق شود نمی‌گوئید «فقط دستت را بمن بده، فقط همین»؟

آیا به کسی که در خانه‌ای آتش گرفته به دام افتاده و تنها راه نجاتش آن است که به طنابی که برای او انداخته‌اید چنگ زند نمی‌گوئید: تنها سفارشم این است که این طناب را بگیری و پس از آن اگر حاجت دیگری داشتی بررسی می‌کنم؟

اکنون برای تشریح وضعیّت جوامع بشری و اینکه

چرا خداوند فقط یک موعظه به مردم فرموده است

خداوند تنها یک موعظه برای آنان دارد کافیت به همین مثالها توجه نمائیم که به چند مثال اشاره می‌کنیم.

مثال اول : «خانه‌ای پر از آتش»

کره زمین اکنون بمانند خانه‌ای پر از آتش شده که شعله‌های آن میلیونها نفر را می‌سوزاند و بسیاری از افراد بشر، هم در آتش دنیا از قبیل فقر و فساد و فحشاء و قتل و جنایت و ... می‌سوزند و هم به آتشیهای آخرت و عذابهای جهنم گرفتار می‌آیند.

جهان امروز که بواسطه پیشرفتهای صنعتی و علمی بمانند یک خانواده گشته اگر از رهبری منجی آخرالزمان و آن انسان کامل الهی که از خطا معصوم است بهره‌مند نگردد تبدیل به جهنمی پر از آتش شده و همه در آن خواهند سوخت.

جهان امروز چون خانه‌ای است که گازهای آتش‌زائی به نام شهوت و غضب که هر دو برای بقاء زندگی بشر و حرارت بخشیدن به خانه او ضروری هستند، در فضای آن

منتشر شده است و بواسطه محرومیت از رهبری امام معصوم از آن بر ضد اهداف انسانی و الهی استفاده می شود. آنچه انبیاء می گویند : این است که این دو نیرو و گاز پر حرارت یعنی نیروی شهوت و غضب باید بمانند گاز طبیعی در لوله های اراده و ایمان محافظت شده و با اعمال آن در موارد مجاز (همانند هدایت نمودن آن در یک بخاری بی خطر) خانه و زندگی بشر را گرم نگاه داشت.

ولی متأسفانه با محرومیت جامعه بشری از رهبری منجی آخرالزمان حضرت مهدی ارواحنا فداه و احساس آزادی کاذب نفسانی و شیطانی این گازها در فضای زندگی بشر منتشر و حیات انسان را تهدید می کند چه آتش غضب که با انفجار چند بمب اتمی حیات بشر را تهدید و چه آتش شهوت جنسی که با انحراف اخلاق جوانان دنیا، آنانرا می سوزاند و خاکستر ندامت و پشیمانی و ابتلاء به امراض و فقر و جنگ و ویرانی و جهنمی شدن و از دست دادن صفات انسانی را برجای می گذارد.

آری شیطان هر لحظه با تحریک انسانها و وسوسه آنان

بمانند و سوسه نمودن کودک خردسالی که با کبریت بازی می‌کند گوشه‌ای از این خانه و گاهی منطقه‌ای از آن را در آتش فساد جنسی و آتش غضب می‌سوزاند.

کانونهای گرم خانوادگی با این آتش منفجر و از هم می‌پاشد.

قدرتهای جهان میلیونها نفر را به جرم آنکه مردم دنیا حرف آنانرا گوش نداده‌اند گرفتار آتش غضب و ریاست خود می‌نمایند که یک نمونه بسیار کوچک آن سوختن شهرهای هیروشیما و ناکازاکی در آتش غضب آنها در جنگ جهانی دوم بود.

پیامبر آخرالزمان حضرت محمد بن عبدالله ﷺ تنها یک موعظه از سوی پروردگار به مردم نموده که بپاخیزید و از عذابی شدید که تهدیدتان می‌کند برحذر باشید.
آن حضرت تأکید نمود:

اگر طبق راهنمائیهای جانشینان من شهوت و غضب خود را کنترل و هدایت نمائید (از آنان اطاعت کنید) هیچگاه در آتش آن نخواهید سوخت و در هیچ کجای خانه خود (کره)

زمین) این گازهای پر قدرت در فضا منتشر نخواهد شد و شیطان موفق به آتش کشیدن زندگیتان نمی‌گردد.

ای مردم اگر از رهبری جانشینان معصوم من بهره‌نگیرید و حضرت مهدی علیه السلام را خانه‌نشین کنید مانند آن است که گازهای آتش‌زا را در فضای خانه خود یعنی کره خاکی نشت داده و از همه جای آن بوی شهوت و غضب بمشام رسد و آنگاه شیطان در آتش افکندن به خانه شما طمع خواهد نمود و آتش جنگهای وسیع و بین‌المللی را روشن کرده و نیز میلیونها و میلیاردها انسان را بواسطه اسارت در شهوت جنسی هلاک خواهد نمود.

ای مردم فقط یک موعظه برای شما کافی است و آن این است که با پذیرفتن رهبری حضرت مهدی علیه السلام شیطان را مأیوس نمائید و خود را از آتشیهای شدید نجات دهید.

این را بدانید که خداوند حتماً آن حضرت را ظاهر کرده و آتشیهای گوناگون را خاموش خواهد نمود و سرانجام صلح و صفا به زمین باز خواهد گشت.

با رهبری آن حضرت غضب و شهوت مردم کنترل شده

حتی یک انسان در اثر داشتن نیروی شهوت یا غضب به جهنم نخواهد رفت.

در بعضی روایات که شیعه و سنی آنرا نقل نموده‌اند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: «ای علی اگر همه مردم جهان بطور یکپارچه تو را دوست می‌داشتند خداوند هرگز آتش جهنم را خلق نمی‌فرمود». (لو اجتمع الناس علی حبّ علی بن ابی طالب لما خلق الله النار). این حدیث از عمر بن خطاب، ابن مسعود و دیگران نقل شده است. (رجوع شود به احقاق الحق ج ۷ ص ۱۴۹).

آری اگر همه مردم چنین باشند هیچکس جهنمی نخواهد شد و چرا چنین باشد در حالیکه اگر نیروی شهوت تحت فرمان و راهنمایی منجی آخرالزمان و خاندان پاک رسالت بدرستی مورد استفاده قرار گیرد مانند گازی که در یک بخاری تولید حرارت می‌نماید بجای سوزاندن انسان خانه او را گرمی و صفا بخشیده او را بهشتی خواهد نمود. بنابراین برای شما که در خانه‌ای پر از آتش قرار گرفته‌اید یک سخن کافی است:

«خود را بوسیله منجی آخرالزمان حضرت مهدی ارواحنا فدای از فرو رفتن در گرداب شهوت و آتش غضب نجات دهید».

آری تنها آبی که این آتش هولناک را که زبانه‌ای از آتش جهنم است خاموش خواهد نمود آب علم و دانش بی‌پایان منجی آخرالزمان حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فدای است، علمی از جانب پروردگار آمیخته با عصمت از خطا و همراه با قدرت و معجزه از سوی خداوند.

آن حضرت هم اکنون دست خود را بسوی شما دراز کرده و می‌خواهد نجاتتان دهد ولی شما دستی بسوی او دراز نمی‌کنید و اگر جز این بود و آن حضرت در میان شما حضور نداشت و هر لحظه آماده نجاتتان نبود، عدالت خداوند زیر سؤال می‌رفت و مانند این بود که شما را بحال خود رها فرموده باشد.

ولی چنین نیست، خداوند هادی و مهربان هر روز و هر لحظه منتظر شماست تا دستی بسوی او دراز و نجات خود را بخواهید که او فرموده است :

«ادعونی استجب لکم»^(۱)

«شما مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم».

مثال دوم: «نجات غریق»

دنیا دریای عمیقی است که خلق بسیاری در آن غرق شده و می شوند.^(۲)

اگر انسان فنون شناگری در این دریا را نداند یا بر کشتی نجات سوار نشود قطعاً در آن غرق خواهد شد.

دنیا نعمت عظیمی است که خداوند مانند دریا به بشر ارزانی داشته و اگر ادیان الهی از دنیا مذمت نموده اند نه بخاطر خود دنیا بلکه بخاطر ناآشنایی مردم به این دریا و در نتیجه غرق شدن آنان است.

آیا وقتی پدر و مادر یک جوان که به کنار دریا رفته اند به او می گویند دریا خطرناک است، بوی مرگ می دهد، تو را به کام خود می کشد و...؟

آیا آنها از دریا بد می گویند یا از بد استفاده کردن از آن؟

۱- سوره غافر آیه ۶۰.

۲- بحارالانوار ج ۱/۱۳۶.

اگر همین دریاها نباشد حیات بشر در کره زمین پایان خواهد یافت.

و این دنیا، دریائی است که اگر نباشد زندگی جاودانه آخرت بدست نخواهد آمد.

از این دنیا گوهرهای جاودانه حکمت به دست می آید و انسان در آن حقایق را فهمیده و خود را برای زندگی جاودانه پس از مرگ می آزماید و دوستان خدا در آن به تجارت برای زندگی آخرت می پردازند.

حال که مردم بالاجبار در این دریا وارد می شوند باید یا بر کشتی نجات سوار شوند و یا فنون شناگری را از خاندان عصمت علیهم السلام بیاموزند.

شناگران این دریا انسانهایی هستند که علوم و وحی را از انبیاء و جانشینان پیامبر آخرالزمان صلی الله علیه و آله فرا گرفته و از آن بهره می جویند و هیچگاه با فرو رفتن در دریای زندگی در امواج شهوت، ریاست، ثروت، مقام و غیره غرق نمی شوند. لذا قرآن کریم در توصیف انسانهای کامل (خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام) و برای پیروان آنان می فرماید :

«رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله»^(۱)

«مردانی که هیچ تجارت و خرید و فروشی آنانرا از توجه به پروردگار و برپا نمودن نماز باز نمی‌دارد».

کشتی نجات این دریا حضرت مهدی موعود ارواحنا فدا! است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود :

«مثل الائمة من ولدك بعدی (مثل اهل بیتی) كسفينة نوح من ركبها نجي و من تخلف عنها غرق»^(۲)

«مثل ائمه از فرزندان تو (یا علی) (مثل اهل بیت من) مانند کشتی حضرت نوح است هرکس در آن سوار شود نجات یافته و هرکس به آن سوار نشود غرق می‌گردد».

انسان امروز در دریای زندگی دنیا قرار گرفته و میلیون‌ها نفر هر روز در امواج آن غرق می‌شوند.

امواج حوادث دنیا، امواج بلاهای دنیا، امواج زیورهای دنیا، امواج پول و شهوت، امواج شهرت و مقام و ...

خداوند متعال که می‌داند بشر دیروز و امروز گوش بحرف نکرده و سوار کشتی نجات نمی‌شود و با فرو رفتن در

۱- سوره نور آیه ۳۷.

۲- احقاق الحق ج ۴/۱۴۹ و ج ۹/۲۷۴.

امواج سهمگین محبت دنیا خود را باخته و در آن غرق می شود و جز مادیات و شهوات و ثروت و مقام و تسلط بر دیگران به چیزی نمی اندیشد (یعنی غرق شده است) به او تنها یک موعظه نموده است.

خداوند متعال به این غریق یک سفارش می نماید همانطور که شما به شخص فرو رفته در دریا با شدت و فریاد می گوئید :

” دستت را بمن بده تا نجات دهم ”.

خداوند متعال نیز به اجتماع بشر بصورت فردی و اجتماعی می گوید : ” بر کشتی نجات که حضرت مهدی و ایمان به اوست سوار شوید تا نجاتتان دهم ”.

و لذا بشارت به ظهور منجی در همه ادیان آسمانی آمده است و همه او را کشتی نجات انسانها معرفی نموده اند.

بنابراین اجتماع امروز بشر باید حضرت مهدی ارواحناده را شناخته و او را رهبر خویش قرار دهد تا از این دریای عمیق سلامت به ساحل زندگی جاودانه و بهشتی برسد.

مثال سوّم : «شفای مریض»

انسان در دنیا مانند شخصی است که در فضائی پر از میکرب (مزبله) قرار گرفته و چنانچه خود را از زباله‌های متعفن آن فضا نجات ندهد و امراض بوجود آمده از آنرا درمان ننماید هلاک خواهد شد.

گرچه در ابتدای نظر، مثال (مزبله) برای دنیا ممکن است کمی ثقیل جلوه کند ولی چنانکه گفتیم این دنیا نیست که مزبله‌ای خطرناک است بلکه سوءاستفاده انسانها از دنیا آنرا به زباله‌دانی تبدیل می‌نماید.

انسانهایی که تحت تربیت انبیاء قرار نگرفته‌اند دائماً نعمتهای الهی را مصرف نموده و آنرا تبدیل به گناهان بزرگ و کوچک می‌نمایند که این گناهان و انحرافات همان زباله‌های متعفن و بدبو و خطرناک است و از همین رو اولیاء خدا مردم را از خطر این زباله‌دانی برحذر می‌دارند.

این زباله‌ها میکروب گناه و صفات رذیله هفتاد و پنج‌گانه از قبیل حسد، بخل، ریا، بی‌حیائی، قتل، خیانت، خشونت و بیرحمی، غفلت از یاد خدا و... را در فضای زندگی مردم

منتشر می نمایند و میلیاردها نفر به این میکروب‌ها آلوده و به امراض مختلفی که از آنها بوجود می آید (امراض هفتاد و پنجگانه‌ای که به آن اشاره کردیم) مبتلا شده‌اند که از آثار این امراض بروز جنگها، نزاعهای کوچک و بزرگ امراض جسمی، امراض روحی، عذاب وجدان، دوری از خدا، فحشاء و قتل و هزاران بلای دیگر می باشد.

اکنون سفارش شما به یک مریض که خود را درمان نمی نماید و از دارو و طبیب غافل است چیست؟ آیا شما یک سفارش و تنها یک نصیحت و موعظه به او نمی کنید که "برخیز و خود را درمان کن"؟

و اکنون این خدای مهربان است که در آیه «قل انما اعظکم بواحدة» همین یک سفارش را به ما می فرماید که برخیزید و خود را درمان کنید.

طبیب ما، منجی آخرالزمان منتظر شماست چرا کسی از او خبری نمی گیرد؟

او از یازده قرن پیش منتظر است که به او مراجعه و درمان دردهای خود را از او بخواهند.

ای مردم دنیا :

تا زمانی که خود را به زبانه‌های متعفن گناه، غفلت و رذایل اخلاقی آلوده و روح خود را درمان نمی‌کنید در بدبختی و تیره روزی دست و پا خواهید زد.

ای مردم، غفلت از یاد خدا بدترین و کشنده‌ترین مرضی است که بخاطر ابتلاء به همین مرض از خطر آن غافلید. آری چون به مرض غفلت آلوده‌اید، همین آن شده که بفهمید غفلت از معنویات چقدر خطرناک است.

انسان غافل مانند کسی است که حس لامسه خود را از دست داده و هر آتشی به بدن او نزدیک کنید سوزش آنرا حس نمی‌کند.

«احساس درد نمودن از بزرگترین نعمتهاست»

آیا احساس درد نعمت بزرگی نیست؟

آیا کسی که دل خوش دارد به آنکه من دردی حس نمی‌کنم، نباید خود را بازنده و بدبخت بداند؟

آیا او با حس نکردن درد و سوزش آتش به یکباره
نخواهید دید دیگر پاهایش مال او نیست و در آتش سوخته
است؟

و اکنون ای انسانهاییکه از امام زمان خود غافلید،
بهوش باشید،

مرض غفلت، آتش محرومیت از رهبری آن حضرت را
برایتان عادی نموده است و سوزش آنرا حس نمی‌کنید.
ای مردم:

مانند امت‌های قبل نباشید که با طول کشیدن زمان غیبت
پیامبرشان به قساوت قلب دچار شده و غیبت پیامبر خدا
برایشان عادی شده بود.^(۱)

ای شیعیان و ای مردم دنیا آیا شما به این مرض مبتلا
نشده‌اید؟

آیا نزدیک به دوازده قرن نیست که امام زمان علیه السلام در بین
شماست و شما از او غافلید.
آیا او بشما پیام نداده که:

۱- و لا یكونوا كالذین اوتوا الكتاب من قبل... - سوره حدید آیه ۱۶.

«اگر یکپارچه مرا یاری کنید میمنت دیدار مرا از دست نخواهید داد؟».

اگر غیبت آن حضرت برایتان عادی نشده بود و به مرض بی حسی معنوی و غفلت دچار نشده بودید که چنین آسوده خاطر به زندگی عادی خود ادامه نمی دادید.

شما در جامعه‌ای زندگی می‌کنید که انسانهای آن در اثر بی حسی دچار آتش شهوت و غضب شده و دست و پاهایشان سوخته و هیچ نفهمیده‌اند (اراده و ایمان خود را از دست داده‌اند) مثل انسانهایی که اراده خود را از دست داده و در برابر فشار شهوت و غضب هیچ مقاومتی ندارند همانگونه که شخص فلج قدرت ایستادن ندارد.

آیا شما به کسی که در خواب عمیقی فرو رفته و دستش در آتش افتاده و می‌سوزد و از آن بوی سوختن گوشت بمشام می‌رسد، نهیب نمی‌زنید و او را به شدت تکان داده و بر او فریاد نمی‌کشید که برخیز دستت سوخت؟

آیا ما انسانها در همان خواب عمیق غفلت فرو نرفته و دست و پاهایمان و حتی قلبمان در آتش گناه و غفلت

نمی‌سوزد و بوی سوختن و از بین رفتن صفات انسانی مثل غیرت، رحمت، عطوفت، ایمان، عقل، گذشت از مال و ... که اعضاء و جوارح روحمان هستند به مشام نمی‌رسد؟ آری چنین است و باید گوش ظاهر و گوش دل خود را باز کنیم و نهیب الهی را بشنویم که بما می‌گوید برخیزید، بخاطر خدا قیام کنید چه به تنهایی و چه همه با هم و خود را از عذاب شدید نجات دهید، برخیزید و دست خود را بسوی حجت من دراز کنید که او را نزدیک دوازده قرن است برای نجات شما فرستاده‌ام.

«جامعهٔ مرده»

بالا تر از این باید بگوئیم جامعه یا فردی که امام زمان خود را شناسد و از او غافل باشد به تعبیر رسول گرامی اسلام حضرت محمد مصطفی ﷺ به مرگ روحی دچار شده و تعفن شدیدی بنام نادیده گرفتن خدا و دورویی و گمراهی از آن به مشام می‌رسد.

زیرا امام زمان عجله بمنزله روح در بدن است، اگر جامعه یا فرد امام زمانش را یعنی همان انسان کاملی که خداوند او را به عنوان نماینده خود در هر زمانی در کرهٔ خاکی قرار داده تا مردم گمراه نشوند، نشناسد مانند آن است که روح در بدن ندارد.

باید دانست زنده بودن قلب و روح انسان به علم و ایمان است و انسان باید علم و ایمان را از معدن آن که نماینده خدا است دریافت نموده و به راهنمایی او زندگی خود را سامان دهد. همانگونه که کودک خردسال با راهنمایی پدر و مادر زندگی خود را سامان می‌دهد.

لذا فرد یا جامعه‌ای که از امام زمان عجله محروم باشد، به مرگ روحی دچار شده تعفن ناسپاسی و کفر و دورویی و گمراهی از او به مشام هزاران نفر می‌رسد.

از اینرو رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنانکه پیش از این اشاره نمودیم در احادیث متواتر و مورد اتفاق بین شیعه و سنی فرمود: «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» یعنی: «کسی که بدون شناختن امام زمانش از دنیا برود به

مرگ زمان جاهلیت (در کفر و نفاق و گمراهی) مرده است». اگر شما با جامعه یا فردی که در امراض خطرناک دست و پا زده و نزدیک به مرگ است برخورد کنید به او چه می‌گوئید در حالیکه می‌دانید از طبیب غافل است و اصلاً سراغ دارو و درمان را نمی‌گیرد؟

خداوند مهربان نیز تنها یک سفارش به ما دارد و می‌گوید: برخیزید و نزد طبیب من بروید و خود را بوسیله او درمان کنید.

و اینک هر انسانی وظیفه دارد به دنبال طبیب خویش حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه حرکت کند و او را شناخته و خود را تسلیم او کند و تحت درمانش قرار گیرد. (در کتاب راهی بسوی نور توضیحات مبسوطی در باره درمان روح بصورت فردی داده‌ایم).

و نیز همه افراد اجتماع وظیفه دارند حداقل همانطور که با آلودگی هوا و امراض خطرناک مقابله می‌کنند با مرض غفلت از امام و رهبری که در بین ما است نیز به مقابله برخاسته و آنقدر او را یاد کنند و از خدا ظهورش را طلب

نمایند تا خداوند مهربان او جهت درمان دردهای بشر
برساند.

مثال چهارم: «زندان عمومی»

وضعیت ما مردم زمان غیبت که از رهبری امام زمان علیه السلام
محروم هستیم همانند یک زندان عمومی است.

زندانی که با اعمال خود دچارش شده‌ایم،

زندان محرومیت از نور و هدایت.

زندان محرومیت از رهبری آن حضرت.

همان رهبری که دانشمندان امروز جهان آرزو دارند جدّ
بزرگوارش علی ابن ابی طالب علیه السلام را ملاقات کرده و از او حلّ
مشکلات فضایی خویش را خواستار می‌شدند چرا که
حضرت مهدی ارواحنا فداه از لحاظ علم و عصمت همتای جدّ
بزرگوارش می‌باشد و ما از رهبری این بزرگوار با آن‌که در
میان ما بسر می‌برد محروم هستیم.

مگر زندان چه خاصیتی جز محدودیت و محرومیت
دارد؟

و مگر ما مردم زمان غیبت محدود و محروم نیستیم؟
مگر ما محدود به یک زندگی مادی و ظاهری و محروم از
حقایق عالم بالا و ارتباط با پروردگار نیستیم.
ما اکثراً راه بجائی نمی‌بریم و سعادت خود را در
نمی‌یابیم و در رذائل اخلاقی دست و پا می‌زنیم.
ما زندانیانی هستیم که بواسطه سستی و ضعف خود در
زندان هواهای نفسانی این و آن قرار گرفته‌ایم و همانند یک
فرد ضعیف که خطائی کرده و او را به زندان و در میان
انبوهی از خلافکاران و دزدان می‌اندازند شده‌ایم و دائماً از
اخلاق زشت آنان رنج می‌بریم.
آری امروز جامعه چند میلیاردی بشر در میان جمعی از
دزدان اخلاق انسانی و قاچاقچیان مواد مخدر شیطانی
یعنی گناهان و شهوات گرفتار آمده و بسیاری از انسانها که
باید از تربیتهای الهی و تعالیم انبیاء بهره‌مند شوند به این
مواد مخدر (گناهان و شهوات) آلوده و به آن معتاد شده‌اند.
همانطور که وقتی بعضی از افراد معمولی خطاکار به
زندان می‌روند و با زندانیان خلافکار تماس می‌گیرند از

آنان اثر پذیرفته و آلوده به مواد مخدر می‌شوند متأسفانه ما مردم زمان غیبت نیز در اثر تماس با افراد خلافکار و خودخواه و بی‌اعتنا به خداوند آلوده به شهوات و گناهان شده و بی‌حال و بی‌رمق در گوشه زندان دنیا بسر می‌بریم. و حال ترک گناه و رسیدن به کمالات روحی را نداریم.

«زندانی و تنها خواسته او»

اینک نیک بیندیشیم که تنها خواسته یک زندانی چه باید باشد؟

آیا جز آزادی خواسته دیگری دارد؟

و این همان چیزی است که خداوند متعال به عنوان "تنها موعظه" خویش بما فرموده و از ما خواسته است که برخیزیم و بصورت فردی و اجتماعی خواستار آزادی از این زندان شویم.

از خدا بخواهیم که ما را از زمان غیبت خارج نماید و ظهور منجی آخرالزمان را برساند.

از خدا بخواهیم که ما را ببخشد و گناهانی که موجب محرومیت از امام زمان علیه السلام شده بر ما ببخشد.
توبه واقعی کنیم و به خدا و امام زمان علیه السلام قول بدهیم با رسیدن فرج، قدر آن حضرت را بدانیم و برای جهانی شدن حکومت آن حضرت از جان و مالمان گذشت نمائیم.
پس همین یک خواسته برای ما زندانیان، رسیدن به همه چیز و همه خوبیهاست که همه خوبیها و سعادت‌ها در خارج از این زندان کثیف و بدبو (بوی گناه و غفلت و دوری از خدا و بیرحمی و قساوت و ...) یافت می‌شود.

«قیام فردی، قیام اجتماعی»

باید این نکته را خاطر نشان سازیم که سفارش پروردگار در آیه شریفه «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ...» که در این نوشتار آنرا مورد بررسی قرار دادیم از دو بُعد مورد توجه قرار می‌گیرد.

اول : بُعد اجتماعی.

دوم : بُعد انفرادی.

زیرا خداوند می فرماید :

«ان تقوموا لله مثنی و فردی» یعنی : تنها سفارش ما این است که «دو به دو یا به تنهایی» برای خدا بپاخیزید. آنچه مهمّ است آن است که انسانها بپاخیزند و دعوت الهی را لبیک گویند.

بپاخیزند و دعوت رسول خدا ﷺ و دعوت انبیاء علیهم السلام و دعوت دوازده جانشین پیامبر اسلام ﷺ خصوصاً حضرت مهدی ارواحنا فداه که همان منجی آخرالزمان از نظر ادیان مختلف است لبیک گویند.

همه آنان، انسان را به یک چیز دعوت می کنند.

دعوت به زنده شدن

دعوت به مکارم اخلاق

دعوت به صفات انسانی

لذا فرموده است :

«استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم»^(۱)

یعنی : «دعوت خدا و فرستاده او، وقتی شما را به آنچه

۱- سوره انفال آیه ۲۴.

زنده می‌کند فرا می‌خوانند اجابت نمائید».

اجابت دعوت خدا و رسولش همان چیزی است که خداوند از بشر انتظار دارد و در آیه مورد بحث از همه انسانها خواسته پیاخیزند و دعوت الهی را لبیک گویند.

و از همین جهت است که در حداقل پنج جای قرآن کریم فرموده است: «من منتظر هستم».^(۱)

آری خداوند منتظر قیام ما است.

منتظر حرکت ما است.

و چنان در انتظار است که تاکنون بیش از یازده قرن نماینده خویش حضرت بقیةالله ارواحنا فداه را در بین ما حفظ نموده تا هر روز که مردم تصمیم به قیام و حرکت و اجابت دعوت الهی گرفتند فوراً او را آشکار نماید و بوسیله او جهان را نجات بخشد و یا به ناگهان خود اجازه قیام به آن حضرت صادر فرموده و جهان را از فساد تهی سازد.

۱- قل انتظروا انا منتظرون (انعام ۱۵۸) - و انتظروا انا منتظرون (هود ۱۲۲)

فانتظروا انی معکم من المنتظرین (اعراف ۷۱ و یوسف ۲۰)

قل فانتظروا انی معکم من المنتظرین (سوره یونس - آیه ۱۰۲)

اکنون که به این نکته توجه نمودیم و دانستیم که انتظار پروردگار از ما فقط یک چیز و آن حرکت برای اجابت دعوت پروردگار است باید بدانیم این اجابت به دو نحوه انجام می شود.

«الف: «اجابت فردی»

«ب: «اجابت اجتماعی»

«اما اجابت فردی»

خداوند متعال از یکایک افراد از بُعد فردی و شخصی تنها یک انتظار دارد،
یک موعظه به آنان میکند،
و خلاصه، یک درخواست از آنان دارد که :
به اجتماع غفلت زده و منحرف از راه حق که به خدا و
انبیاء و امام زمان علیه السلام توجهی ندارد نگاه نکن.
تو خود را نجات ده،
منتظر کسی نباش،

بپاخیز و شاگرد حقیقی امام زمان خود شو،
بپاخیز و نفس خود را از رذائل و صفات ناپسند پاک نما،

«بپاخیز و امام زمانت را بشناس»

بپاخیز و امام زمان خود را بشناس،
بپاخیز و بوسیله کسب صفات و کمالات روحی خود را به
مقام یاران امام زمان علیه السلام که هر انسانی باید به آن برسد،
برسان که در این صورت تو امام زمانت را (ولو آنکه جسم
شریفش را ملاقات ننمایی) درک کرده و عارف به حق آن
حضرت شده‌ای و از امتیازات معنوی زندگی در زمان
ظهور آن حضرت هم اکنون بهره‌مند می‌شوی زیرا امام
صادق علیه السلام در روایتی به فضیل بن یسار فرمود:

«ای فضیل، امامت را بشناس، زیرا وقتی امامت را
شناختی دیگر جلو یا عقب افتادن این امر (حکومت ما
اهل بیت) ضرری به حال تو نخواهد داشت (و اینرا بدان)
کسی که قبل از قیام امام زمانش آن حضرت را شناخته و

فوت نماید مانند کسی خواهد بود که در لشکر امام زمان علیه السلام نشسته باشد، نه، بلکه بمنزله کسی است که زیر پرچم مخصوص آن حضرت نشسته باشد.

سپس فضیل گفت: بعضی از اصحاب امام صادق علیه السلام گفتند: «مانند کسی است که در رکاب رسول خدا صلی الله علیه و آله به استقبال شهادت رود».^(۱)

بهر حال چه جامعه بسوی امام زمان علیه السلام حرکتی داشته باشد یا نه، انسان وظیفه دارد نفس خود را تزکیه و به مقام یاران امام زمان علیه السلام برساند ولو آنکه در تمام کره زمین او تنها باشد همانطور که اگر تمام مردم کره زمین مریض باشند و انسان بتواند خود را نجات دهد باید چنین کند و به تنهایی خود را تحت مداوای طبیب قرار دهد.

و اگر انسان در یک زندان عمومی چند هزار نفره قرار گیرد چه همه زندانیان خواستار آزادی خود باشند یا نه، او به تنهایی خواستار آزادی خویش است. لذا افراد بیدار شده از خواب غفلت چنین‌اند و به غفلت مردم زمان غیبت که در

۱- مکیال المکارم ج ۲/۱۰۶ ح ۱۱۵۸.

هواهای نفسانی و شیطانی زندانی شده‌اند و خواستار آزادی خود نیستند نمی‌نگرند بلکه همّتشان فرار از این زندان و رهایی از آن است ولو تنهای تنها باشند.

«اجابت اجتماعی»

هرگاه اجتماع به ندای پروردگار پاسخ داد (خواستۀ مردم آن بود که حق ظاهر و باطل از بین رود) خداوند ظهور منجی را خواهد رساند.

بنابراین خداوند از اجتماع بشر خصوصاً شیعیان و پیروان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام تنها یک چیز می‌خواهد و آن اینکه یکپارچه شوند و از ته دل ظهور امام عصر ارواحناده را طلب نمایند که این مصداق کامل و حقیقی قیام لله (برای خدا بپاخواستن) است.

«و آخرین سخن...»

آخرین سخن آنکه

برخیزیم و بخاطر خدا قیام کنیم.

برخیزیم و با حفظ پرچم پرافتخار جمهوری اسلامی به تبلیغ و ترویج نام مقدّس حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه در سطح جهان پردازیم.

برخیزیم و بطور یکپارچه (همانطور که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون این یکپارچگی را داشته‌ایم با استفاده از این اهرم شیطان شکن) برای ظهور و پایان خانه‌نشینی امام عصر ارواحنا فداه تلاش کنیم.

برخیزیم و برای حکومت علم و پاکی و عدالت بر جهان توسط آن حضرت، برای پایان همه محرومیّت‌ها و کاستی‌ها، و برای رسیدن به سعادت و جاودانگی و فضیلت،

و برای رسیدن به آنچه همه انبیاء و اولیاء و انسانها آرزو داشتند، همه با هم در تلاشی گسترده و اجتماعی، ضمن گذشت از مال و جان و آبرو و وقت خود عاجزانه از پیشگاه

الهی تقاضا کنیم در ظهور مولایمان عجله فرماید.

«ای کاش مردم...»

ای کاش مردم یازده قرن پیش و مردم ده قرن پیش و مردم قرنهای گذشته این دستور دلسوزانه حضرت بقیّة اللّٰه ارواحنا فداه که فرمود: "برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید" را عمل می کردند و خداوند باقیمانده زمان غیبت آن حضرت را به جهان بشریت می بخشید.

زیرا در بعضی روایات آمده که خداوند بخاطر دعاها و گریه های بنی اسرائیل که از او خواستند آنانرا از فرعون رهایی بخشد از یکصد و هفتاد سالی که از غیبت حضرت موسی علیه السلام باقی مانده بود صرف نظر کرد و به حضرت موسی و هارون علیهما السلام وحی فرمود که آنان را از دست فرعون نجات دهد.

در همین روایت که مشروح آنرا در کتاب راهی بسوی نور آورده ایم امام صادق علیه السلام فرمودند:

اگر شما شیعیان نیز چنین کنید خداوند

فرج ما را خواهد رساند ولی اگر دست روی دست بگذارید و این گونه (بطور یکپارچه و با تضرع و التماس از خداوند) دعا نکنید، وقتی کار به نهایت خود رسید (و پیمانۀ پر شد) فرج خواهد رسید.^(۱)

قانون و سنت پروردگار آن است که هرگاه جمعیتی خواستار صلح و عدالت واقعی باشند، باید موانع آنرا از خود برطرف نمایند و حرکتی یکپارچه در این جهت داشته باشند. همانطور که مردم مسلمان ایران در هنگامه پیروزی انقلاب اسلامی، یکپارچه شده و خواستار تغییر وضعیّت موجود و رفع مفاسد از جامعه خود شدند.

بر همین اساس، امام عصر ارواحنا فداه در نامه معروف خود شیخ مفید علی الله مقامه این نکته را خاطر نشان ساخته اند که :

«اگر شیعیان یکپارچه و یکدل به پیمان خود با ما وفا می کردند، هرگز سعادت دیدار ما از آنان به تأخیر نمی افتاد و با سرعت تمام و با عجله این سعادت نصیبشان

۱- بخارالانوار ج ۵۲/۱۳۱.

می‌گردید». (این پیام و نامه را در صفحه ۴۰ همین کتاب آورده‌ایم).

در عصر حاضر نیز مضمون همین پیام، در خوابها یا تشرّفات، مورد تاکید آن بزرگوار قرار گرفته و امام عصر روحی فداه خواستار توجّه مردم به این سنّت محکم الهی (یکپارچه شدن برای تغییر وضعیّت و تقاضای ظهور) شده‌اند.

«اگر فقط شیعیان ایران یک بار...»

اینک در پایان این کتاب، خلاصه و قسمتهائی از یکی دو قضیه دیگر را که در چاپ جدید کتاب «دراوج تنهایی» آورده‌ام، در این کتاب هم می‌آورم تا تعداد بیشتری از خوانندگان از این قضایای تکان دهنده و جدید آگاه شوند، بلکه حرکتی و انقلابی در میان ما شیعیان ایجاد شود و به تنها مؤعظه پروردگار که حرکت بسوی آن حضرت و درخواست ظهور مقدّسش می‌باشد، جامه عمل بپوشانیم، این قضایا مربوط به طلبه محترم و عزیزی است که من او را می‌شناسم و اگر بر فرض او را شناسم نیز ضرری به مطلب نخواهد

وای کاش مردم

خورد، زیرا آنچه او از امام عصر روحی فداه (که در عالم رؤیا آنحضرت را زیارت کرده) نقل می‌نمایند تنها خواب یا مکاشفه نیست بلکه مضمون فرمایشات معتبر آن حضرت در روایات متعدد در تشریفات و خلاصه آیات و روایات دیگر است.

به هر حال آن طلبه محترم و عزیز نقل می‌کند که :

در عالم رؤیا می‌دیدم حضرت ولی عصر روحی فداه بسیار گریه می‌کنند و اشک می‌ریزند.
عرض کردم : آقا جان ای سرورم، چرا این قدر گریه می‌کنید؟

فرمودند : شیعیان مرا نمی‌خواهند.

عرض کردم : آقا جان، قربانتان بروم، اکثر مردم شما را می‌خواهند و دوستان دارند و همیشه دعا می‌کنند و فرج شما را از خداوند متعال می‌خواهند.

فرمودند :

«از صدتا، یکی از آنها از ته قلب برای فرج من دعا می‌کنند».

آنچه مهم است آن است که آن حضرت پس از آن
فرمودند :

«اگر فقط شیعیان ایران، یک بار برای ظهور من انقلاب
می کردند، خداوند ظهور و فرج مرا می رساند».

مضمون همین فرمایش حضرت بقیة الله ارواحنا فداه در تشرّف
مرحوم آقای فشنیدی تهرانی که در آغاز این کتاب آنرا نقل
نمودیم دیده می شود که فرمودند : «شیعیان ما به اندازه آب
خوردنی ما را نمی خواهند اگر بخواهند دعا می کنند و
فرج ما می رسد».

«مرا به تمام دنیا معرفی کنید»

در قضیه دیگری که آن طلبه عزیز و محترم برایم نقل کرد،
حضرت ولی عصر روحی فداه به ایشان و کلیه کسانی که
می توانند بطور صحیح امام عصر روحی فداه را به دنیا معرفی
نمایند، فرمودند :

«شما وظیفه دارید از کانال حضرت اباعبدالله

الحسین علیه السلام مرا به تمام دنیا معرفی کنید».

«من هم در صحراها تنها هستم»

در قسمتی دیگر از این قضیه، حضرت ولی عصر ارواحنا فداه، از بی توجهی ما شیعیان گله مند بوده و فرموده اند:

«چرا به شیعیان نمی گوئید من هم مثل جد بزرگوارم حضرت سیدالشهداء علیه السلام تنها هستم، آقا امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا تنها ماند، من هم در صحراها تنها هستم».

«کسی به ندای من توجه نمی کند»

آن حضرت در ادامه فرمودند:

«... و هر ۲۴ ساعت ندای هل من ناصرینصرنی را سرمی دهم و کسی به ندای من توجهی نمی کند».

و اینک این ما هستیم که باید با رشد و آگاهی

خود بکوشیم، توجّه به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء و آمادگی برای ظهور آن حضرت و دعا برای فرج مقدّسش را در برنامه و فرهنگ شخصی و عمومی خود و جامعه وارد نمائیم و لبیک‌گوی ندای هل من ناصر ینصرنی امام زمان خود باشیم، شاید در همین زمان ظهور مقدّسش را دریابیم و چشمانمان به جمال مقدّسش روشن گردد که این آرزوی هر انسان پاک و آزاده‌ای است که جمال دلربای جانشین تمامی پیامبران و منجی آخر الزمان و امام و پیشوای خود حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء را ببیند.

و اینک همه با هم همیشه و همه جا بگوئیم:

خدایا در ظهور مولایمان عجله کن و چشمانمان را بجمال دلربایش روشن فرما.

«اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَكُلَّ نَاطِرِي بِنَظَرَةٍ مَنَى إِلَيْهِ وَ عَجَّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ»^(۱)

به امید موفقیّت.

۱- مفاتیح الجنان - دعای عهد.

«فهرست»

- ۱- سخنی با شما صفحه ۵
- ۲- نظرات خوانندگان کتاب راهی بسوی نور صفحه ۶
- ۳- منظور از یک درخواست چیست؟ صفحه ۱۰
- ۴- تشرّف مرحوم آقای فشنندی در مسجد جمکران صفحه ۱۶
- ۵- تنها موعظه پروردگار صفحه ۱۸
- ۶- برای خدا بپاخیزید صفحه ۲۰
- ۷- اگر مردم یکپارچه فرج را بخواهند صفحه ۲۴
- ۸- و آنگاه خداوند پس از تنها موعظه‌اش صفحه ۲۷
- ۹- با بعثت پیامبر اسلام ﷺ کار اصلاح جهان شروع شد صفحه ۳۰
- ۱۰- رمز مخصوص دستیابی به صلح و عدالت صفحه ۳۳
- ۱۱- رمز دوازده شماره‌ای صفحه ۳۴
- ۱۲- پرهیز از عذاب شدید صفحه ۳۵
- ۱۳- خانه‌نشینی مظلوم اوّل و مظلوم آخر صفحه ۳۹
- ۱۴- پیام چه بود؟ صفحه ۴۰
- ۱۵- مانند لامپی روشن صفحه ۴۲
- ۱۶- یازده قرن انتظار صفحه ۴۴
- ۱۷- اکنون روی سخن با ماست صفحه ۴۵
- ۱۸- و اینک یک پیام، یک موعظه... صفحه ۴۶
- ۱۹- شاید بگوئید جهان هنوز آماده نیست... صفحه ۴۸
- ۲۰- اگر به این مطلب توجه می‌شد همان موقع فرج می‌رسید صفحه ۵۲
- ۲۱- اثرات منفی دور پنداشتن ظهور صفحه ۵۳
- ۲۲- چه فاجعه‌ای رخ خواهد داد... صفحه ۵۴

- ۲۳- توبه اجتماعی مردم صفحه ۵۴
- ۲۴- آیا نوبت امام زمان علیه السلام نشده؟ صفحه ۵۵
- ۲۵- چرا خداوند فقط یک موعظه به مردم فرموده است؟ صفحه ۶۰
- ۲۶- مثال اول : خانه‌ای پر از آتش صفحه ۶۱
- ۲۷- مثال دوم : نجات غریق صفحه ۶۷
- ۲۸- مثال سوم : شفای مریض صفحه ۷۱
- ۲۹- احساس درد نمودن از بزرگترین نعمتهاست صفحه ۷۳
- ۳۰- جامعه مرده صفحه ۷۶
- ۳۱- مثال چهارم : زندان عمومی صفحه ۷۹
- ۳۲- زندانی و تنها خواسته او صفحه ۸۱
- ۳۳- قیام فردی، قیام اجتماعی صفحه ۸۲
- ۳۴- بپاخیز و امام زمانت را بشناس صفحه ۸۶
- ۳۵- و آخرین سخن... صفحه ۸۹
- ۳۶- ای کاش مردم... صفحه ۹۰
- ۳۷- امام عصر علیه السلام : اگر شیعیان ایران برای ظهور من صفحه ۹۲
- ۳۸- امام عصر علیه السلام : مرا به تمام دنیا معرفی کنید صفحه ۹۴
- ۳۹- امام عصر علیه السلام : من هم در صحراها تنها هستم صفحه ۹۵
- ۴۰- فهرست صفحه ۹۷
- ۴۱- معرفی تألیفات دیگر نویسنده صفحه ۹۹

قال الله تعالى
« و اشرق الارض بنور ربها »
« آنگاه که زمین با نور پروردگارش روشن شود »

« خورشید مکه »

« نام مقدس یگانه امامی است که جهان را با نور پروردگارش
از علم و عدالت روشن و تاریکی جهل و ستم را می زداید »



انتشارات

« خورشید مکه »

می کوشد با انتشار کتابهایی که یاد و نام آخرین ذخیره الهی را در
اذهان زنده می نماید ، فرهنگ انتظار راستین را در جامعه تقویت
نموده ، قلب مقدس حضرت بقیه الله ارواحنا فداه را شاد و مسرور نماید

از همین نویسنده :

کتاب

«خورشید هدایت»

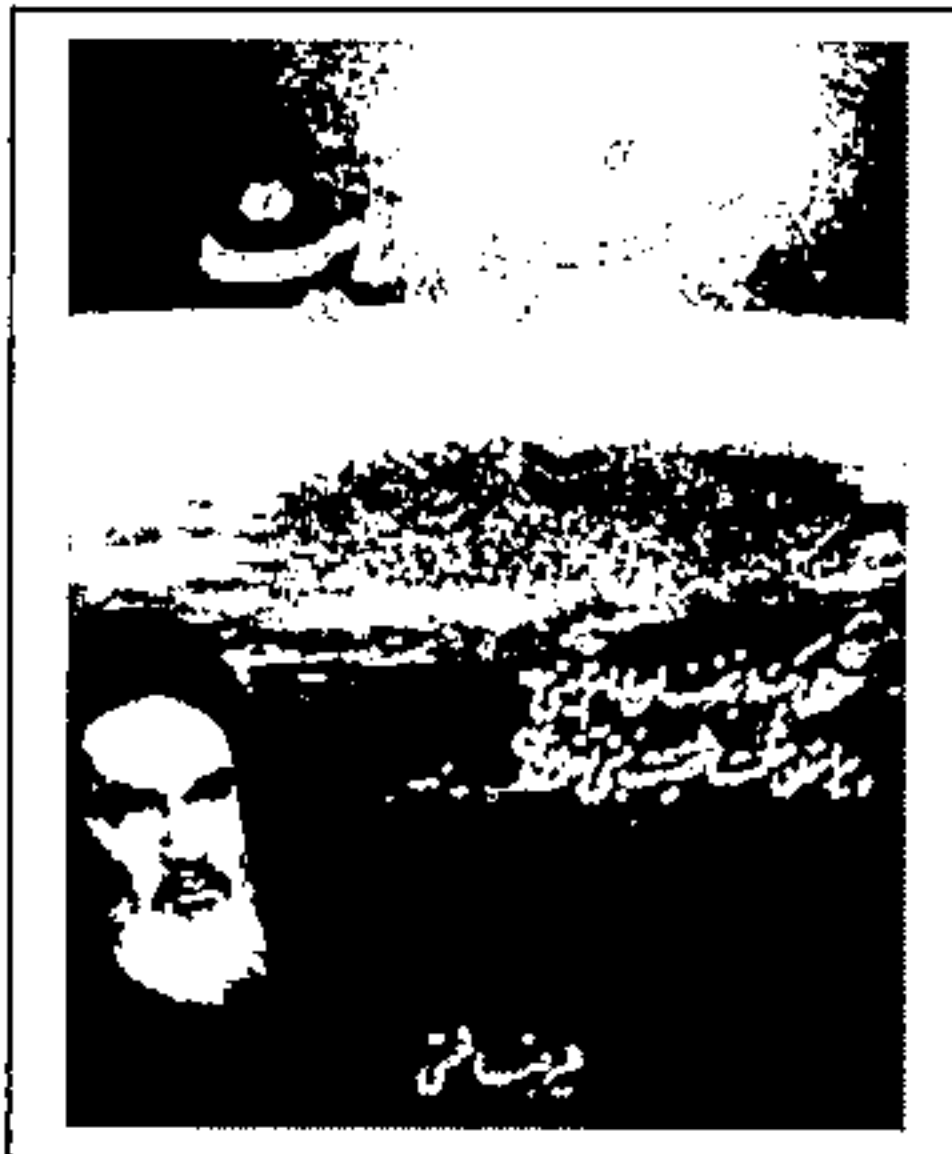
که پیرامون شخصیت و عظمت

یگانه منجی عالم بشریت

نگارش یافته است

نوشته :

حجه الاسلام والمسلمین علیرضا نعمتی



○ هدف از نگارش این کتاب آن بوده است که همگان بدانند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی قدس سره چه سخنانی پیرامون شخصیت جهانی و مقام با عظمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه بیان داشته اند .

○ این سخنان اگر مورد توجه شیعیان خصوصاً مسئولین محترم نظام جمهوری اسلامی و تمامی کسانی که بنحوی هدایت کننده افکار مردم میباشند قرار گیرد موجب تحوّل عمیق در مردم مسلمان گشته، غبار غفلت از امام عصر ارواحنا فداه را از چهره جامعه پرتحرک شیعه خواهد زدود.

○ این کتاب در سی بخش زنجیره ای و بهم پیوسته تنظیم گشته که بتدریج خواننده (حتی غیرمسلمانان) را با شخصیت جهانی امام عصر ارواحنا فداه آشنا می سازد.

○ این سی بخش الهام گرفته از دعای پرمغز و گرانقدر (ندبه) است که در دلد انسانهای آزاده و طالب سعادت را بازگو نموده و حقایقش هر انسانی را با حقیقت آشنا ساخته، او را به سرچشمه حیات و فضائل و کمالات انسانی یعنی و جود مقدس حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه رهنمون میگردد.

○ این کتاب ، سخنان گرانقدر امام خمینی قدس سره که دقیقا با هریک از عناوین سی گانه مطابقت دارد را در آغاز هر بخش قرار داده و سپس حقایق ناگفته و درد دل های شیفتگان حضرت ولی عصر علیه السلام را در آن بخش بازگو نموده است (سخنان حضرت امام قدس سره حدود یک دهم کل کتاب را تشکیل می دهد).

○ این کتاب با قرار دادن یک حدیث کوتاه پیرامون وجود مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام و غیبت و ظهور مقدسش در بالای هر صفحه از ۸۰۰ صفحه کتاب، روح و جانی دیگر به آن بخشیده و تنها مطالعه این احادیث کافیست که انسان را منقلب و مجذوب امام عصر ارواحنا فداه گرداند، این احادیث براساس عناوین سی گانه کتاب تنظیم گشته است

○ کتاب خورشید هدایت بزرگ شده و مشروح یک مجموعه گسترده تلویزیونی بوده که نویسنده محترم، آن مجموعه را جهت آشنایی عموم مردم جهان با یگانه منجی عالم بشریت نگاشته و برای جلوگیری از فراموش شدن آن، اصل مطالب را به همراه اسناد و مدارک معتبر و با تحقیقات گسترده که حدود ده برابر آن مجموعه تلویزیونی می باشد را در قالب کتاب ارائه نموده است.

○ این کتاب می تواند در سطحی بین المللی از امام عصر ارواحنا فداه سخن رانده و قدمی در راه آشنایی مردم جهان، خصوصاً مردم شیعه با آنحضرت برداشته و ظهور مقدسش را سرعت بخشد.

○ عناوین این کتاب که حلقه های گمشده فکری هزاران انسان شیفته و دلسوزانقلاب و نظام اسلامی است، می تواند پیوند دهند آنان با انقلاب جهانی یگانه منجی عالم بشریت باشد و تحولی دیگر در فرهنگ عمومی جامعه بسوی زندگی در حکومت واحد جهانی امام عصر ارواحنا فداه ایجاد نماید.



کتاب

«راهی بسوی نور»

پیرامون ارتباط روحی

با امام زمان علیه السلام

نوشته :

حجه الاسلام والمسلمین علیرضا نعمتی

○ این کتاب ، تکان دهنده دلهای خفته ای است که در پیچ و خم زندگی مادی راه رسیدن به امام زمان علیه السلام را گم کرده ، خود را با زندگی دنیا و هواهای نفسانی آن سرگرم نموده اند.

○ این کتاب بیان کننده چگونگی غربت و مظلومیت امام عصر ارواحنا فداه در عصر حاضر است و ریشه های فراموشی مردم از آن بزرگوار را به دقت بررسی نموده و راههای رفع این گره کور از امت اسلام و جهان بشریت را نشان داده است.

○ این کتاب راههای ارتباط روحی و قلبی با حضرت را به دقت بیان و خواننده را مشتاق جستجو از آن حضرت می نماید.

○ این کتاب تاکنون دهها نفر را از خواب غفلت بیدار نموده و آنانرا مشتاق جستجو از محبوب کرده و راه رسیدن به کمالات روحی را به رویشان باز نموده است.



کتاب « در اوج تنهایی »

در فراق حضرت ولی عصر

علیه السلام

نوشته :

حجه الاسلام والمسلمین علیرضا نعمتی

○ سوز دلی برخواسته از سینه های پردرد که در فراق حضرت بقیه الله ارواحنا فداء می گیرند و فشار طاقت فرسای دوران غیبتش را با صبری زیبا و معرفتی دلنشین سپری نموده به چشمه وصال نزدیک میشوند و پاس‌خگوی ندای غربت و مظلومیتش میشوند و نمی گذارند او نیز مانند جدّ غریبش در صحرای کربلای امروز در محاصره تبلیغاتی شیطان و شیطان سیرتان صدایش محو و به فراموشی سپرده شود.

○ و این کتاب تکانی است به دل‌های خفته ای که عزیزترین گمشده خود حضرت بقیه الله ارواحنا فداء را فراموش نموده و به زندگی معمولی خود سرگرم شده اند.